مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال هفدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شمارهٔ پیاپی ۳۲

DOI: 10.22067/geography.v17i1.73967

تبارشناسی نقش زیارتی-گردشگری شهرمشهد

محمدعلی فیروزی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسندهٔ مسئول)

m.alifiroozi@scu.ac.ir

جعفر جوان (استاد جغرافیای ناحیه‌ای،دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

jafar.javan@yahoo.com

معصومه توانگر (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

masoomeh_tavangar@yahoo.com

صص ۱۹۱ ـ ۱۵۵

چکیده

هدف: این مقاله با هدف تحلیل نقش زیارتی و گردشگری شهر مشهد، از طریق شناسایی گسست‌ها، گفتمان‌های مسلط و آثار فضایی گفتمان ها بر شهر مشهد با تمرکز بر روش تبارشناسی فوکو، تدوین شده است.

روش تحقیق: روش تحقیق حاضر تبارشناسی فوکویی است. رهیافت تبارشناسی به مثابهٔ چارچوب نظری و روشی است که پدیدهٔ شهر را با نگاهی تاریخی می نگرد. تحلیل تبارشناسانهٔ نقش شهر و تحولات آن در طول زمان، نمایانگر فرایند گذار شهرها از وضعی به وضع دیگر، آرایش‌های گفتمانی و روابط میان گفتمان‌ها در یک جامعه و شناسایی احکام و گزاره‌های گفتمانی در خلق شهر با نقش خاص است.

یافته‌ها: بررسی ساختار قدرت در پیوند با دانش که به تولید فضای شهری منجر شده است، تحلیل مناسبی از تحولات نقش شهری ارائه می‌دهد. بدیهی است تحولات و توسعهٔ شهر مشهد در پیوند با نقش زیارتی آن معنا می‌یابد. در این مقاله ساختار قدرت/دانش پدید آورنده و جهت‌دهنده به نقش زیارتی و گردشگری مشهد، در درون دو کَلان گفتمان دوران تسلط مدرنیسم و دورهٔ پیشامدرن، تحلیل و واکاوی شده است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰٤/۱٦ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲

نتیجه‌گیری: نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد، گفتمان پیشامدرن تحت تأثیر دو گسست مهم؛ نخست شهادت امام رضا(ع) و پیدایش مشهدالرضا و دوم، استقرار حکومت صفویان و نضج و گسترش مذهب تشیع در ایران، عرصهٔ نقش‌آفرینی روابط قدرت/دانش به سمت و سوی تقویت نقش مذهبی و زیارتی مشهد پیش رفت و در هنگامهٔ ورود مدرنیسم به کشور و تسلط گفتمان مبتنی بر آن و در پاسخ به تحولات فضای اجتماعی شهر، در تعامل با فضای جهانی و ملی و در قالب سه خُرد گفتمان مشروطیت، ملی‌گرایی عصر پهلوی و اصول‌گرایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به سوی نقش تلفیقی زیارتی- گردشگری سوق یافته است.

کلیدواژه‌ها: تبارشناسی، گفتمان، نقش زیارتی، نقش گردشگری، شهر مشهد.

مقدمه

«شهر» یکی از مهم‌ترین عرصه های زیست انسان و بستر تحولات اجتماعی جامعهٔ انسانی و یکی‌از عناصر فضای جغرافیایی است که در طول زمان و تحت تأثیر عوامل گوناگون طبیعی و انسانی پدید آمده و توسعه می‌یابد. شهر بخشی از کشور و جزیره‌ای درون آن است (موير، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۹) و فضای شهری جزئی از فضای کلان‌تر جغرافیایی است. بنابراین مطالعهٔ شهر می‌تواند درک بهتری از تحولات جامع ناحیه‌ای، از راه مطالعهٔ ساختارهای فضایی، جریان‌های سیاسی و نظام‌های ارتباطی و اقتصادی فضا را در بر گیرد. از این نظرگاه، ساختارهای ایجادشده در شهر و از ورای فضای شهر، نقش و کارکرد شهر در طول زمان را شکل و معنا می‌بخشد. شهر به‌عنوان یک واحد فضایی، دارای خصیصه‌ها، کارکرد و نقش و جنبه‌های مختلفی از زندگی جمعی یک گروه انسانی در یک فضای خاص است که همین ویژگی‌ها به شهر روح زندگی و ماهیتی پویا داده است (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱،ص.۴۰) و نقش کنونی و آتی آن را تعریف می‌کند. شهر محیطی پویا است و توسعهٔ شهری و تغییر و تحولات نقش شهر، متأثر از مناسبات دانش‌و قدرت متبلور در برنامه‌ریزی‌های فضای شهری و در فضای ورای آن و پرورش‌یافتهٔ اندیشهٔ سیاسی زمان، مکان و ویژگی‌های خویش است. در شهرهای با کارکرد دینی و مذهبی، توسعهٔ شهری عمدتا درون‌زاست واین عامل تعیین‌کنندهٔ نقش آن است. شهر مشهد از شهرهای مذهبی جهان است

که علت وجودی آن را مرقد مطهر امام‌رضا(ع) توجیه و تبیین می‌کند. در طی زمان این هویت، شکل‌دهندهٔ کارکرد و نقش شهر با محوریت زیارت و زائر بوده است. در این شرایط هویت و کارکرد شهر تقویت‌کنندهٔ هم بوده و تعامل دو سویه داشته‌اند. نتیجهٔ چنین تعاملی، شکل‌گیری فضای شهر، با خصوصیات مرتبط با آن خواهد بود. بنابراین، تنوع فضایی شهر مشهد براساس هویت و نقش و کارکرد آن شکل گرفته است (امیرفخریان ومبینی، ۱۳۹٦، ص.۱۰).

شهرمشهد با جمعیتی بیش از ۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و ۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت، مهمترین نقطهٔ شهری شرق کشور و بالاتر از آن، نگین درخشانی بین دو صحرای ترکمنستان و بیابان مرکزی ایران محسوب می‌شود. روند تحولات کالبدی شهرمشهد بیانگر آن است که طی دورهٔ زمانی ۱۳۹۰-۱۳۳۵، جمعیت و وسعت آن به ترتیب به ۱۱,۲۵ و ۱۸,۷۵ برابر شده است (رهنما و امیرفخریان، ۱۳۸٤، ص.۹۲). از سال ۱۳٤۰ تا ۱۳۹۵، سه طرح جامع، برای آن تهیه شده که طرح‌های اول و دوم به دلیل عدم همخوانی با تغییرات بوقوع پیوسته، قبل از موعد مقرر بازنگری شده‌اند. حاکمیت ایدئولوژی اسلامی - شیعی و لزوم حفظ و ارتقای جایگاه این تفکر ایدئولوژیک از سوی برنامه‌ریزان، تصمیم‌سازان و حکمرانان شهری، برای توسعهٔ شهر مشهد از یک سو و موقعیت شهر مشهد به عنوان یکی از کلان‌شهرهای اصلی در سلسله‌مراتب نظام شهری ایران، از دیدگاه اقتصاد سیاسی، به شکل‌گیری و توسعهٔ فیزیکی‌این شهر و تحولات نقش آن انجامیده است. مشهد شهر زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) است و باید پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی دو جامعهٔ "مجاور" و " گردشگر -زائر " باشد. بنابراین، ساختار مدیریت شهری مشهد و تلاقی عناصر قدرت در شهر، ساختار دوگانه‌ای است که در آن، مدیریت شهری‌و زیارت درهم‌آمیخته است. در یک سمت و بخشی از آن «نهادهای دولتی» و در سمت دیگر « نهادهای غیردولتی چون آستان قدس رضوی و سایر نهادهای مرتبط با مقولهٔ زیارت» تأثیرات قابل توجهی بر مدیریت شهری دارند و به‌عنوان اهرم‌های اصلی قدرت و تصمیم‌گیری، دیپلماسی شهری مشهد و نقش محلی، ملی و بین‌المللی و گفتمان‌ها و فراگفتمان‌های تولید و بازتولید فضای شهری نقش ایفا می کنند. اگرچه در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، عمدتا نقش شهر بر پایهٔ شاخص‌های اقتصادی

تعیین می‌شود، در حال حاضر نمی‌توان تنها به فاکتورهای اقتصادی بسنده کرد .پژوهش حاضر بر آنست تا برای تعیین و تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تحولات نقش شهر، گفتمان‌های مسلط در فرایند شکل‌گیری و نقش‌پذیری این پدیدهٔ جغرافیایی(شهر) را تحلیل کند و در این راستا از روش تبارشناسی فوکو بهره خواهد برد. از دیدگاه ساختارگرایی، نظریاتی چون اقتصاد سیاسی و شهر، سیستم‌های شهری اغلب یک سیستم (ساختار) در حال تغییر به شمار می آیند (شکویی، ۱۳۷۹،صص. ۳۳۹-۳۳۸). از دیدگاه فوکو[1] نیز، این فضای در حال تغییر و تحول شهری در سیطرهٔ قدرت و دانش قابل‌تحلیل است که در نهایت منجر به شکل‌گیری فضای اجتماعی شهر و نقش مسلط آن می شود (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷).

از منظر فوکو و با نگاهی تبارشناسانه، فضا زاییدهٔ تعامل دانش و قدرت است. فضا، در هر کنش قدرت، امری اساسی است و هر کنش قدرت از طریق فضا و انواع عقلانیت‌های فضایی اعمال می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت هر نظریه و عمل برنامه‌ریزی (برای فضاهای جغرافیایی) بدون در نظر گرفتن رابطهٔ بین فضا و قدرت امری پوچ و بی‌معنا خواهد بود و از آنجایی که فضای جغرافیایی، فضایی اجتماعی است و صورت‌ها و ساخت‌های آن آفریدهٔ کنش‌های انسانی است، شناخت نیروهای پدیدآورنده و تغییردهندهٔ فضای جغرافیایی و محتوای اجتماعی آن‌ها (شبلینگ[2]، ۱۳۷۷، ص. .۱۰۸) امری ضروری در کشف و تحلیل گفتمان‌های سازندهٔ آن است (صالحی زاده،۱۳۹۰، ص. ۱۳۹). به بیان فوکو، گفتمان‌ها کلید فهم وقایع سیاسی و اجتماعی فضا هستند. پژوهش حاضر بر آن است تحولات نقش زیارتی- گردشگری شهرمشهد، گسست‌ها و گفتمان‌هایی را که این تحولات را در طول زمان رقم زده- اند، با رویکرد تبارشناسانه فوکویی شناسایی کند و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: ۱- گسست‌های تاریخی و گفتمان‌های مسلط پدیدآورندهٔ نقش زیارتی- گردشگری شهر مشهد چیست؟ ۲-گفتمان‌های پدیدآورندهٔ نقش زیارتی -گردشگری شهر مشهد، در دوران تسلط خود، چه اثراتی بر فضای شهری مشهد برجای گذاشته‌اند؟ بنابراین هدف کلان تحقیق، تحلیل تبارشناسانهٔ نقش زیارتی-گردشگری شهرمشهد و اهداف جزئی‌تر آن شامل شناسایی گسست-

1. Foucault Michel
2. Shebling

های تاریخی تأثیرگذار بر ایجاد و تقویت نقش زیـارتی -گردشـگری شـهر مشـهد، شناسـایی گفتمان‌های پدیدآورندهٔ نقش زیارتی- گردشـگری شـهر مشـهد و در نهایـت، بررسـی اثـرات گفتمان‌های مسلط، بر فضای شهری مشهد می‌باشد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

تحلیل تبارشناسانهٔ نقش شهر و تحولات آن در طول زمان، در واقع نمایـانگر فراینـد گـذار شهرها از وضعی به وضع دیگر، آرایش‌های گفتمانی[1] و روابـط میـان گفتمان‌هـای موجـود در یک جامعه و شناسایی احکام و گزاره‌های گفتمانی در خلق شـهر بـا نقـش و کـارکرد خـاص است. در این میان، نقاط عطف و گسست تاریخی و گفتمان‌های پیش و پـس از گسسـت‌هـا، بیان‌کنندهٔ تغییرات نقش و کارکرد شهرها، تحت تأثیر عوامل کلان و خرد جغرافیایی، اقتصـادی و سیاسی است که همچون حلقه‌های یک زنجیر، پیونـد عناصـر قـدرت و دانـش و اپیسـتمه مربوطه را در عرصهٔ شهر به نمایش می گذارد. مشهد، کلان‌شهری در حال گذار است و نقـش مسلط گردشگری-زیارتی آن تحت‌تاثیر گفتمان‌های مسلط و روابط قـدرت بـر سـاختهٔ آن در حال تغییر است. از این رو، در بررسی پیشینهٔ پـژوهش حاضـر بـا ایـن رویکـرد بـه موضـوع پرداخته شده است. چرا که هدف تحقیق بررسی فضای گردشگری شهر مشـهد نیسـت، بلکـه تحلیل فرایندهایی است که پدیده آورندهٔ گفتمان‌های مسلط بوده است.

بررسی منابع علمی خارجی و داخلی نشان می‌دهد که مطالعـات بررسـی نقـش و کـارکرد شهرها، عمدتاً بر پایهٔ بررسی تحولات اقتصادی مناطق جغرافیای و فضـاهای شـهری صـورت گرفته و شاخص‌های اقتصادی از قبیل وضعیت اشتغال جمعیت شهری در بخـش‌هـای اصـلی اقتصاد شهر، مبنای تحلیل نقش و کارکرد شهرها بـوده اسـت. تحلیـل نقـش و کـارکرد شـهر، موضوعی کاملا بنیادی است. صرف نظر از روش‌های پژوهش متفاوتی که تحقیقات این حـوزه اتخاذ کرده‌اند، پژوهش‌های بسیاری در داخل کشور با محوریت بررسی ساختارهای حـاکم بـر برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در شهرها و عوامل مؤثر بر آن که تعیین و تقویت‌کنندهٔ نقـش و کارکرد گردشگری در مناطق جغرافیایی اسـت، در قالـب مقالـه و پایـان‌نامـه و گـزارش‌هـای

1. Discursive formation

تحلیلی تدوین شده است که عمدتا به طور ضمنی به ساختارهای قدرت و دانشی که پدیدآورندهٔ این نقش در شهرها می‌باشند پرداخته‌اند. مطالعهٔ منابع نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که تبیین موضوع" نقش شهر" که محور اصلی این پژوهش است در کشورهای توسعه‌یافته که در ادبیات برنامه‌ریزی مدرن دارای سابقهٔ طولانی تری هستند، غنی‌تر و قوی‌تر بررسی شده است. این فرایند در تحقیقاتی که تغییر و تحولات شهری در مقاطع زمانی مشخص را تحلیل و بررسی کرده‌اند، گویای‌این موضوع است. به عنوان نمونه ،کورنیش[1] (۱۹۷۷) پایتخت‌های بزرگ (کلان‌شهرها) را از دیدگاه جغرافیای تاریخی تحلیل کرده و تأثیر عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و.... را در گذر زمان و در طول تاریخ شکل‌گیری و تحولات نقش و کارکرداین کلان‌شهرها، مورد تأکید قرار داده است. گاتمن[2](۱۹۷۷) در پژوهش خود نقش و کارکرد کلان‌شهرهای دارای نقش پایتخت را بررسی کرده و عوامل مؤثر بر پذیرش چنین نقشی را مورد تحلیل قرار داده است. هال[3](۱۹۹۳) تغییرات نقش و کارکرد پایتخت‌ها (شهرهای دارای نقش پایتخت) را مورد تحلیل قرارداده و یک دسته‌بندی شش‌گانه براساس نقش برای شهرهای مذکور قائل شده است. گروه توسعهٔ زیرساخت‌های شهری بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ در کتابی با عنوان *شهرهای در حال گذار*[4]، استراتژی حکومت‌های شهری و محلی، چشم‌انداز شهرهای پایدار و نحوهٔ گذار شهری و الزامات رسیدن به استراتژی و چشم‌اندازهای مذکور را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب با تأکید بر اقتصاد سیاسی فضا، «گذار» شهرها و دستورالعمل های تحقق تغییرات فضایی و انتقال از شرایط پیشین به شرایط جدید و رسیدن به تعادل فضایی را بررسی کرده است. هارینگتون[5](۲۰۰۵) در کتابش با عنوان *فضاهای اقتصادی جدید، جغرافیای اقتصادی جدید، فضاهای اقتصادی پویا*[6] موضوع پویایی فضاهای اقتصادی و فرایندهای اقتصادی، سازمانی، نظری و روش شناختی سیاست-گذاری‌های شهری را مورد بررسی و بحث قرار داده است و مجموعه عوامل جغرافیایی‌ایجاد

1. Cornish
2. Gutman
3. hall
4. Cities in Transition
5. Hrington
6. New Economic Spaces: New Economic Geographies (Dynamics of Economic Space)

تغییرات اقتصادی در فضاهای جغرافیایی را مرور کـرده اسـت. تغییـرات سـریع اقتصـادی در سطوح ملی و منطقـه‌ای، چـارچوب‌هـا، موضـوعات و روش‌هـا، مـورد بحـث قـرار گرفتـه و فرایندهایی که نیاز به تغییر دارند، تحلیل شده است. این متن تحلیل جامعی از طیف وسیعی از ابزارهای مختلف و نوآورانه موجود را که از طریق آن می‌توان فعالیت‌ها و تعاملـات اقتصـادی منطقه را مشاهده کرد، پیش روی خواننده قرار می‌دهد. جکسون[1] (۲۰۰۷) نیز در کتـاب خـود با عنوان *آیندهٔ شهری، انتخابی از بین آلترناتیوها*[2] ابتـدا بـه مسـائل شهرنشـینی و برنامـه‌ریـزی شهری بر اساس شناخت ویژگی‌های طبیعی و انسانی شهر پرداخته و سپس بر اساس پیش‌بینی نیازهای آتی شهر، برنامهٔ توسعه و رشد شهری و الزامـات آن، برنامـه‌ریـزی کـاربری اراضـی، دسترسی‌های شهری، تحلیل هزینه فایده اجرای روژه‌ها و برنامه‌های شهری را مدنظر قرار داده و آیندهٔ شهر بر اساس تمامی آلترناتیوهای موجود، شاخص‌های پیشـنهادی گسـترده و کـارایی شاخص‌ها برای برنامه‌ریزی آیندهٔ شهرها را مطرح کرده است. زیمـرمن[3](۲۰۱۰)، در پـژوهش خود، سیاستگذاری و فضا را در ارتباط با یکدیگر و محیط زیست و نوع برنامه‌ریـزی حاصـل از ارتباط بین دو عامل را تحلیل کرده است. بـه زعـم او پویـایی اقتصـادی و نقـش وکـارکرد شهرها متأثر از نوع و شکل سیاستگذاری است و اشـکال مختلفـی از شـهرها، کلـان‌شـهرها و پایتخـت‌هـا را مـی آفرینـد. کمبـل[4](۲۰۱۱)، در کتـابش تغییـرات نقـش و هویـت کلـان شهرها(پایتخت‌ها) در عرصهٔ جهانی را مورد تحلیل و بررسی قرارداده اسـت. در ایـن بررسـی نقش عوامل اقتصادی، سیاسی، روابط و شبکه‌های ارتباط بین‌المللی جزو مهمترین عوامل مؤثر براین تغییر نقش‌ها بیان شده اسـت. مـی‌یـر[5](۲۰۱۶) نیـز در پـژوهش خـود، نقـش عوامـل و سیاست‌های مکانی و اقتصادی، نظریه‌های جهانی و جهان‌شهرها در دینامیک شهرها را بررسی کرده و معتقداست از طریق‌ایجاد ارتباط زمینه‌های مختلف نظـری، رویکـرد منطقـه‌ای سیسـتم نوآوری، مفهوم سیاست مکانی و چشم‌انداز نظام سیاسی می‌توان یک چارچوب بـرای مطالعـه و پویایی اقتصادی و سیاسی شهرهای بزرگ و به ویژه کلان‌شهرها پیشنهاد داد. اخلـاقی فـیض

1. Jakson
2. The urban future A choice between alternative
3. Zimmerman
4. campbel
5. Mayer

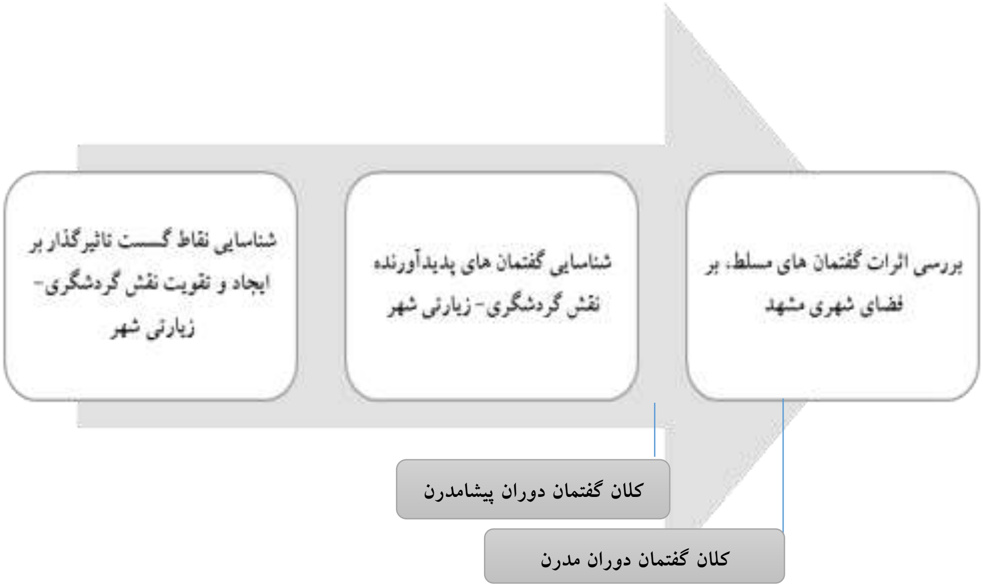
آثار (۱۳۷۰)، در پژوهشی با عنوان« نقش صنعت توریسم در تحولات اقتصادی شهرمشهد» تأثیرات صنعت توریسم را در تحولات اقتصادی شهر مشهد مورد بررسی قرار داده و از صنعت گردشگری به عنوان یکی فاکتورهای مهم ایجاد تغییرات و تحولات نقش و کارکرد کنونی شهر مشهد یاد کرده است. هادیانی و مومنی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان « تعامل فضا، فرهنگ و قدرت در سازمان یابی فضایی شهر زاهدان »، با تکیه بر دیدگاه جغرافیای کارکردی، کارکردهای گوناگون شهر زاهدان را با توجه ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی و اقتصادی آن مورد بررسی قرار داده و با تحلیل روندهای گذشته و موجود، آینده‌های محتمل پیش‌روی‌این شهربرای پذیرش نقش‌هایی چون گردشگری را ارائه داده است. قاسمی‌خوزانی(۱۳۸۷) در پژوهش خود«ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی – فرهنگی و مدیریت آن در کلان‌شهرمشهد» نحوهٔ مدیریت عناصر تصمیم‌ساز و سیاستگذار در کلان-شهرمشهد را از دیدگاه کارکردگرایی تحلیل کرده است. منوچهری و رنجبر(۱۳۸۹) در پژوهش خود به منظور تحلیل نقش فضاهای جغرافیایی از منظر قدرت و ارادهٔ معطوف به قدرت و شکل‌گیری فضاها در نتیجهٔ آن، نسبت فلسفهٔ سیاسی و قدرت در اندیشهٔ سیاسی لئواشتراوش و میشل فوکو را بررسی کرده است. تا قبل از نیچه و تعریف متفاوت وی از قدرت، این مقوله با تمرکز و حاکمیت سیاسی پیوندی تنگاتنگ داشت، به گونه‌ای که فلسفهٔ سیاسی تلاشی برای نیل به حقیقت، نسبتش با قدرت به صورت پاسخ به مسئلهٔ توجیه حاکمیت اقلیتی حکومتگر بر اکثریت تحت حکومت یا ایجاد سامان سیاسی نیک تعریف می شد، اما با نیچه و طرح مباحثی چون "ارادهٔ معطوف به قدرت" قدرت پراکنده و در همه جا حاضر تلقی شد. این نوشته بر نسبت بین فلسفهٔ سیاسی و قدرت تأکید دارد. میلانی (۱۳۹۰) در رساله‌اش، نقش و کارکرد شهر را از دیدگاه قدرت و بر اساس اندیشهٔ میشل فوکو در تحلیل مفهوم قدرت مورد بررسی قرار داده است. وثوق رضوی مشهدی (۱۳۹٤)، در پژوهش خود به بررسی نقش قدرت در توسعهٔ فضایی شهرمشهد و بر پایهٔ نظریات فلسفی مرتبط با مفاهیم "فضا" مانند میشل فوکو به تحلیل موضوع پرداخته است. در این تحقیق سعی شده روند توسعهٔ کنونی‌شهرمشهد، بررسی و سناریوهای توسعهٔ پایدار فضایی آیندهٔ مشهد را ترسیم نماید. بحیرایی، سرور، کارگر و فرجی راد (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به تحلیل راهبردی تحولات

فضایی و کارکردی حریم جنوبی کلان‌شهر تهران پرداخته و عوامل مؤثر بر این تحولات، نقش و کارکرد فضایی را مورد بررسی قرار داده است. تغییرات ساختار اقتصادی، تغییرات ساختار جمعیتی تحت تأثیر عوامل زمینه‌ساز سیاسی، اقتصادی، از جمله مهمترین این عوامل بوده است. در پژوهش‌های فوق‌الذکر، نگاه کلان در تحلیل نقش و کارکرد کنونی شهر مدنظر قرار گرفته است. نوشتار حاضر و تحلیل مبتنی بر روش و رویکرد تبارشناسانه در تحلیل نقش شهر(نقش زیارتی-گردشگری) موضوع جدیدی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده و در واقع تکمیل‌کنندهٔ مطالعات پیشین بوده و از زاویه‌ای نو به موضوع اندیشیده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳. ۱. تبارشناسی به مثابهٔ روش

به لحاظ ماهیت، این تحقیق عمدتا کیفی است و بر اساس تبارشناسی فوکویی به تحلیل موضوع پرداخته است. بنابراین، تحقیقی تحلیلی- کاربردی است و از روش‌های اسنادی و تحلیل محتوا، در این راستا بهره گرفته است. تبارشناسی فراتر از یک «روش»، نوعی «رهیاف» نسبت به پدیدهٔ مورد مطالعه است. تبارشناسی از حیث روش شناختی، یک جهت‌گیری نظری برای مشاهدهٔ پدیده است که آن را در چارچوب مفهومی تازه‌ای قرار می‌دهد. ویژگی منحصر به فرد چارچوب نظری–روشی تبارشناسی، تاریخی دیدن پدیده است؛ زیرا هر شناختی، ریشه در زندگی، جامعه و زبانی دارد که تاریخ را تشکیل می‌دهد (کچوییان و زائری، ۱۳۸۸، ص. ۲۶). روایی و پایایی، آن گونه که در روش‌های کمی پیمایشی مدنظر است، در روش تبارشناسی وجود ندارد. بنابراین، باتوجه به اهداف پژوهش‌و ویژگی‌های روش تبارشناسی، مطالعه در سه مرحلهٔ متوالی به شرح (شکل ۱) تدوین شده و تحلیل تبارِ نقش گردشگری–زیارتی شهر مشهد، از طریق بررسی پهنه‌های گفتمانی، گسست‌های تاریخی و تحلیل اثرات گفتمان‌های حاکم بر فضای شهری و روابط قدرت و دانش شکل‌دهندهٔ نقش شهر انجام شده است.



شکل ۱- چارچوب نظری و مراحل اجرای پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

اطلاعات مورد نیاز پژوهش به کمک روش اسنادی جمع‌آوری شده است. به منظور تدوین چارچوب نظری پژوهش از منابع مختلف نظیر کتب، مقالات، اسناد و سایر منابع معتبر نوشتاری در زمینهٔ موضوع استفاده شده و برای تحلیل گفتمان‌ها و اثرات آن بر تحولات و تغییرات نقش گردشگری – زیارت شهر مشهد، از اسناد و مطالعات شهری و گردشگری و زیارت و نیز نظرات صاحبنظران و اساتید دانشگاه در این زمینه بهره گرفته شده است.

٤. مبانی نظری

٤. ١. مفهوم تبارشناسی، گفتمان و اجزای آن

تبارشناسی، تحلیلی تاریخی است که با رجوع به گذشته از آن پرده بر می‌گیرد و توهمات ایدئولوژی‌ها، اعمال و تمامی انواع نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بی‌اعتبار می‌کند (شرت، ۱۳۸۷، ص. ۲٤٦). هدف تبارشناسی ثبت یکتایی رویدادها و نشان دادن جنبهٔ متمایز هر رویداد و خلاصی از شرِ تاریخ فرضی، علیه"حقایق جهان‌شمول و بی زمان" و" تداوم"

است (احمدی، ۱۳۷٤، ص.۱۸۲). ره‌آورد بزرگ تحلیل تبارشناسی، ارائه تاریخی انتقادی است که گسست میان گذشته و حال را نمایان می‌کند. این گسست نیز بـا اتفـاقی جلـوه دادن حـال (حال به مثابهٔ یک رویداد) عرصه را برای نقد ایجاد می‌کنـد(عالم و یحیـوی، ۱۳۸۸،ص. ۲٤۰). از نظر فوکو، خود ایده‌هـا واجـد اهمیـت نیسـتند، بلکـه نقـد اجتمـاعی آن‌هـا مهـم اسـت. او تبارشناسی را تاریخی دیدنِ پدیدهٔ مورد مطالعه می‌داند؛ زیرا هـر شـناختی، ریشـه در زنـدگی، جامعه و زبانی دارد که تاریخ را شکل می‌دهنـد (فوکـو، ۱۳۸۷، ص. ۲٦). زبـان، نـه بازتابنـدهٔ واقعیت، بل سازندهٔ واقعیت، هستی و منشاء تکوین سـوژه اسـت (عبـداللهی و جـوان، ۱۳۸۹، ص. ۲٤۵). تبارشناسی دل مشغول مرکزیت قدرت و سلطه در شکل گیری گفتما ها، هویت‌ها و نهادهاست و می‌کوشد خصلت قدرت محور گفتمان‌هـای حـاکم را بسـط دهـد (عضـدانلو، ۱۳۸۵، صص. ۱۸۷-۱۸۵). به نظر فوکو دانش عمیقـاً بـا روابـط قـدرت در آمیختـه و همپـای پیشرفت در اعمال قدرت پیش می‌رود. به عبارت دیگر، هرجا قدرت اعمـال شـود دانـش نیـز تولید می شود. فهم این مسئله که فضا و مکان چگونـه در کـارکرد قـدرت نقـش اساسـی‌ایفـا می‌کنند از یک سو و تدوین نقش فضا و مکان در پژوهش‌هـای تـاریخی‌ای کـه بـر کاربسـت قدرت تقریر می‌یابند، تلاش های فوکو را نه صـرفا بـه مثابـهٔ هَـمی بـر تـاریخ اکنـون، بلکـه همچون نگاشتِ [یا نقشه برداری] اکنون مورد مداقهٔ مجدد قرار می‌دهد. فوکو دانـش را ایجـاد کنندهٔ قدرت می‌داند. فوکو قدرت را «نیروی محرک» تاریخ به شمار می‌آورد. شاید "تحولات" نوعی نقطه‌ی اوج به شمار می‌آینـد، امـا در واقـع صـرفاً جنبـه‌ای از انقیـاد[۱] هسـتند(هوبرت[۲]، کیتچین[۳] و ولنتاین[٤]،۲۰۰٤، ص.۱۲۲). بنابراین، تحولات و گـذار شـهرها از حـالتی بـه حالـت دیگر و تغییر در نقش و کارکرد آن در درون گفتمان‌ها را می‌توان بر اساس نظریهٔ فوکو تحلیل و بررسی کرد. در رویکرد فوکویی گریزی از قدرت نیست و هر نوع عمل گفتمانی در حـوزه دانش عملاً به کارکردهای قدرت ارتباط می‌یابد.

۱. رام و مطیع شدن

2. Hubbard
3. kitchin
4. valentine

گفتمان از جمله مفاهیم مهم و کلیدی است که در شکل‌دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب‌زمین در نیمهٔ دوم قرن بیستم، نقش به‌سزایی داشته است. فوکو گفتمان را برای اشاره به روال‌های منظم و قانون‌مندی به کار می‌برد که تبیین‌کنندهٔ مجموعه‌ای از گزاره‌ها هستند؛ یعنی قانون‌ها و ساختارهای نانوشته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی پدید می‌آورند(میلز[1]، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۸.). در تعریف و معنای گفتمان دو مفهوم اساسی وجود دارد: یکی، مفهوم طرد[2] و دیگری مفهوم حکم[3]. نقطهٔ عطف مباحث فوکو در باب روابط دانش و قدرت، در همین مفهوم طرد نهفته است که روال‌های حاکم و برتری دادن گفتمان غالب از طریق پیوند خوردن آن‌ها با روابط قدرت و ترجیح آن گفتمان صورت می‌پذیرد. مفهوم طرد به این معناست که گفتمان را صرفاً نباید مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم تلقی کرد، بلکه باید وجود آن را وابسته به مجموعه‌ای از دو نوع روال دانست. یکی روال‌هایی که می‌کوشند آن گزاره‌ها را رواج دهند و دیگری روال‌هایی که می‌کوشند تا میان آن گزاره‌ها و گزاره‌های دیگر مرزی بنا کنند و از رواج یافتن گزاره‌های دیگر ممانعت به عمل آورند. از دید فوکو یک گزاره زمانی به حکم تبدیل می‌شود که در کنار احکام دیگر، در یک صورتبندی گفتمانی معنا یافته باشد و معیارهای صدق و کذب خود را با خود داشته باشد. تکرارپذیر و دامنهٔ گسترش آن در سطح جامعه بالا باشد. تأیید یا انکار آن دارای پیامدهای اجتماعی جدی باشد. مجموعهٔ چند حکم، صورتبندی گفتمانی(اپیستمه[4])را شکل می‌دهند. آرایش‌های گفتمانی[5] و روابط گفتمان‌های موجود در یک جامعه همان اپیستمه است(قادری، ۱۳۸۰،ص. ٥٦).

٤. ۲. مفهوم نقش شهر و روش‌های تعیین نقش شهرها

شهر و نقش شهر را می‌توان از زاویهٔ دید نظریات گوناگون فلسفی نگریست و روش‌های گوناگونی برای شناخت و تحلیل نقش شهر به کار برد. اصولا نقش و کارکرد شهری متأثر از فضای ناحیه‌ای است که شهر در آن تکوین و توسعه یافته است. این فضا محدود به فضای طبیعی نیست، بلکه فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر ناحیه را نیز در بر می‌گیرد؛

---

1. Mills
2. exclusion
3. Statement
4. Episteme
5. discursive formation

چرا که ترکیب داده‌های مورد بحث است که نقش و کارکردهای خاص را به شهر القاء می-کند. در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، نقش‌های مختلفی برای شهرها تعریف و به تبع آن روش-های اجرایی متعددی نیز برای تعیین نقش شهرها ارائه شده که عمدتا زیرساخت آماری دارند. جغرافی‌دانانی چون ماکس سور[1](۱۹۵۲)، ماکس درئو[2](۱۹۶۱)، بوژوگارنیه[3](۱۹۸۰) و پیرژرژ[4]و چانسی هاریس[5](۱۹۴۳)، هر یک روش خاص خود را برای تعیین نقش شهر ارائه داده‌اند، اما اکثرا بر نقش‌های مشترک تأکید کرده‌اند. به عقیدۀ ماکس درئو، طبقه‌بندی شهرها و کارکرد آن‌ها، بر اثر تکاملی که در طول زمان می‌بینند امری تصنعی اس؛ چرا که سرمایه‌گذاری هایی که در جهات معینی انجام بگیرد، وظایف شهر را تکمیل و یا دگرگون می سازد و شهر در تکامل کارکرد خود مراحلی را تعقیب می کند (برزگران، ۱۳۷۶، ص. ۳۴). هاریس با تعیین آستانه‌ای برای هر یک از شاخه‌های کار و فعالیت شهری، توانسته نقش غالب هر شهر را مشخص کند. ویلیام اولسن سوئدی، اعداد معینی را برای تعیین نقش شهرها بر می-گزیند.ویلیام اولسن[6] روش خود را روی شهرهای آمریکا پیاده می‌کند و عقیده دارد جذب حداقل ۱۵ درصد از جمعیت فعال شهری در معادن به شهر نقش معدنی و ۴۰ درصد در صنایع نقش صنعتی و ۳۷ درصد در خدمات به شهر نقش خدماتی می دهد. گرچه نقش‌های مختلفی برای شهرها مشخص شده و به تبع آن روش‌های اجرایی متعددی نیز از سوی اندیشمندان برای تعیین نقش شهرها ارائه شده، اما تمام این روش‌ها، به دلیل نوع داده‌های آماری موجود در ایران، قابل استفاده نمی‌باشد. با توجه به محدودیت‌های آماری، در مطالعات داخلی برای تعیین نقش شهرها عمدتاً از روش ژاکلین بوژوگارنیه و ژرژشابو[7] استفاده شده است . در این روش مشاغل شهری در سه گروه تعریف می شوند که دستۀ اول، بخش کشاورزی، جنگل‌بانی، صیدماهی و استخراج معادن، گروه دوم، صنایع و ساختمان و گروه سوم، کلیۀ مشاغلی را که نمی‌توانند در گروه اول و دوم بیایند، شامل می‌شود. یکی از محاسن

1. Sur
2. Drew
3. Garnier
4. Georges
5. Harris
6. Olson
7. shabo

این روش، نمایش تحولات زمانی نقش شهر و آگاهی از گرایش شهر به سوی نقشی نو است. یکی دیگر از مزایای آن مقایسهٔ مناطق از نظر سطح توسعه‌یافتگی است. با گذر از موارد فوق، در مجموع نقش‌های اصلی و مشترکی که در روش‌های مورد استفادهٔ نظریه‌پردازان فوق تعریف شده است را می‌توان در چند نقش اصلی؛ شامل نقش صنعتی، نقش بازرگانی، نقش بازاری، نقش نظامی، نقش فرهنگی، نقش توریستی – تفریحی، نقش خوابگاهی و نقش معدنی دسته بندی کرد که تبیین و تحلیل هر کدام از این نقش‌ها می تواند در داخل روابط قدرت و دانش مورد ارزیابی قرار گیرد. در دسته‌بندی فوق الذکر، در واقع کارکرد حاصل از پذیرش یک نقش، در شهرها مورد تاکید قرار گرفته است. آنچه که موجب تمایز و نشان‌دهندهٔ هویت یک شهر است و تصویر ذهنی ساکنان و بازدیدکنندگان از یک شهر را می سازد (برزگران، ۱۳۷٦، صص. ۳٦. –۳٤). به عقیدهٔ نگارنده برای تعیین و تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تحولات نقش شهر، باید به عوامل و گفتمان‌های پدیده آورندهٔ این پدیده جغرافیایی(شهر) نیز توجه کرد و علاوه بر عوامل و شاخص های اقتصادی که در بیشتر روش‌های فوق مبنای دسته‌بندی و تعیین نقش شهرهاست، باید به عوامل سیاسی، اجتماعی وایدئولوژیک و قدرت ناشی از آن‌ها در محیط اجتماعی نیز توجه کرد.. همچنان‌که فوکو، تغییر گفتمان‌ها از یک دوره به دورهٔ دیگر را تنها متکی به منطق خودبنیاد گفتمان نمی‌داند، بلکه بر نقش امور غیرگفتمانی دراین تحول و تبدل تأکید می کند. به زعم او «قدرت» اصلی‌ترین امر غیرگفتمانی است که بر گفتمان‌ها و تحولات شان تاثیر می گذارد (کچوئیان و زائری، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

٤. ۳. نقش گردشگری و زیارتی شهر

نقش شهرها براساس فعالیت اقتصادی غالب آن‌ها تعیین می‌شود. در شهرهای گردشگری بخش خدمات اقتصادی قوی‌تر است و تولید و اشتغال بیشتری را نسبت به سایر بخش‌ها ایجاد می‌کند. شهرهای دارای نقش گردشگری می‌توانند دارای کارکردهای تفریحی – توریستی، تاریخی، فرهنگی – مذهبی، پذیرایی، خرید و ... باشند. یکی از انواع شهرهای گردشگری، شهر زیارتی است. شهر زیارتی محصولی متفاوت و مجموعه‌ای بی‌نظیر از کارکردهای مذهبی، فرهنگی و تاریخی است. مدیریت گردشگری مذهبی و زیارت در شهرهای زیارتی ابعاد گوناگونی دارد و علاوه بر جنبه‌های ارتقای فرهنگی، اجتماعی و معنوی

زائران و مجاوران، تأمین نیازهای زیرساختی، زیربنایی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد (پارک علم و فناوری خراسان،۱۳۹۰، ص. ۱۵.). پذیرش نقش گردشگری در شهرها و سیر تحولات آن، ارتباط و پیوند مستقیمی با تحولات و تبارشناسی گردشگری دارد. گردشگری در دوران سنتی رنگ و بوی افسانه داشت و جغرافیای اسطوره‌ای را رقم زد (کراچکوفسکی[1]، ۱۳۷۹، ص. ۷). کنش‌های گردشگری شکل گرفته در دوران مدرن، وابستگی کاملی به سرمایه داری [و گفتمان های قدرت/دانش] دارد و اثرات خود را بر ساخت و بافت محیط‌های جغرافیایی(شهرها) برجای گذاشته است. عملا گردشگری نوعی دیالکتیک در امر سرمایه‌داری مرکز- پیرامون است و اثرات ساختاری-کارکردی و رفتاری ویژه‌ای دارد (سقایی،۱۳۸۲، ص. ۳۲). آنچه اهمیت دارد این است که در دوران پسامدرن اوقات فراغت و گردشگری به عنوان حق محسوب می‌شود. گردشگری پسامدرن فرایندی از مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی است که سبک زندگی را متحول کرده و به تبع آن مکان‌های گردشگری و از جمله شهرهای گردشگری دچاراین تغییر و تحول در ساخت و نقش و کارکرد خود شدند. حس نوستالژی و توجه به میراث فرهنگی دراین دوران اهمیت یافت و پسامدرنیته به توسعهٔ بازار و قدرت در یک سلسله‌مراتب و شکل‌گیری یا برجسته-سازی نشانه‌های گردشگری انجامید. هم چنانکه در شهرهای بزرگ ایران چون مشهد نیز، روند شناسایی و ثبت آثار و اماکن با ارزش تاریخی و میراثی به عنوان "نشانه"های خاص شهر و یا جاذبه‌ای برای گردشگری سرعت یافت و در راستای تقویت نقش گردشگری آن و جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران، در برنامه‌ریزی‌های شهری و گردشگری به آن توجه می شود. بنابراین، تبارشناسی گردشگری فضاهای جغرافیایی نشانگر اینست که گردشگری نتیجهٔ مدرنیته است و به همین نسبت در دوران ورود مدرنیسم به شهرها و تغییر و تحولات شهری ناشی ازاین نگرش، شهرها نیز نقش و کارکرد گردشگری را پذیرفتند و زیرساخت‌های مرتبط با توسعهٔ گردشگری در آن‌ها تقویت شد وگردشگری پسامدرن نیز نیاز به تفکر جغرافیایی را در آرایش فضای گردشگری مطرح کرد (سقایی، ۱۳۸۲،صص. ٤٥-٤٣). تراکم زیاد فیزیکی ساختار، مردم و نقش‌ها و گوناگونی فرهنگی- اجتماعی، چند نقش‌گرایی اقتصادی و مرکزیت

1. Krachovsky

عینی در شبکهٔ داخل شهری و منطقه‌ای، از آثار شهرهای گردشگری است (مافی و سقایی، ۱۳۸۸، ص. ٤) که رابطهٔ بین عناصر و بازیگران قدرت در تعیین و تقویت نقش گردشگری در شهرها را به نمایش می‌گذارد.

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر شهرمشهد و فضای شهری مشهد است. شهرمشهد در شمال شرقی ایران، عرض۳٦ درجه و ۱٦ دقیقهٔ شمالی و طول ۵۹ درجه و ۳۸ دقیقهٔ شرقی، در فاصلهٔ هزار کیلومتری تهران، در دشت مشهد و در حد فاصل رشته‌کوه‌های کپه داغ در شمال و بینالود در جنوب، در حوزهٔ رودخانهٔ کشف‌رود قرار دارد. مشهد با مساحت ۳۵۱٤۷ هکتار وسعت، بزرگترین مرکز شهری در منطقهٔ شرق ایران و از لحاظ جمعیت و مساحت دومین شهر پس از شهر تهران است. مشهد با جمعیتی در حدود 3057258 نفر (۱۳۹۵) تنها کلان‌شهر شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. بیشینهٔ ارتفاع شهرمشهد ۱۱۵۰ متر و کمینهٔ آن ۹۵۰ متر است. دارای آب و هوای متغیر، اما معتدل و متمایل به سرد و خشک است و از تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های سرد و مرطوب برخوردار است. بیشینهٔ درجه حرارت در تابستان‌ها ٤۳ درجه بالای صفر و کمینهٔ آن در زمستان‌ها ۲۳ درجهٔ زیر صفر است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵، ص. ٤٦). مشهد دارای ۱۳ منطقهٔ شهرداری است. به دلیل وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان بوده و سالانه پذیرای بیش‌از ۲٦ میلیون زائر[۱] و گردشگر از سراسر ایران و سایر کشورها است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵، ص. ٤٦).

۵. ۲. صورتبندی گفتمان‌های تبیین‌کنندهٔ نقش زیارتی- گردشگری شهر مشهد

تبارشناسی نقش گردشگری- زیارت شهرمشهد بر مبنای شناسایی نقاط گسست، گفتمان‌ها و تحلیل اثرات گفتمان‌ها در دوران‌های مختلف تاریخی صورت گرفته است. تبارشناسی نقش

---

۱. این رقم مربوط به تعداد ورود گردشگران داخلی و خارجی و مسافرانی است که از مبادی ورودی شهر مشهد به این شهر وارد شده‌اند.

گردشگری- زیارتی شهرمشهد، تنها یک رهیافت بـا چـارچوب‌هـای محـدود اسـت و درایـن مجال بیانگر تاریخ به هم پیوسـته حـوزۀ نظـری و کـارکردی گردشـگری شـهرمشـهد اسـت. تبارشناسیِ‌این نقش شهری، با شناخت گسست‌ها و صورتبندی گفتمان‌های گوناگون آن تحت تاثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، به عنوان عناصر قدرت/دانش شکل‌دهنده به گفتمـان-ها، درصدد تبیین این موضوع است.

۵. ۲. ۱. کلان‌گفتمان دوران پیشامدرن

پیدایش شهرمشهد و تحولات اقتصادی-اجتماعی و کالبـدی- فضـایی آن تحـت تـأثیر دو خاستگاه اصلی؛ طبیعی (درۀ کشف رود و جلگۀ بینالود)و تاریخی (توس قدیم ومشـهدالرضـا) قرار داشته است. مهم‌ترین تحولات تاریخی شهرمشهد، بعد از اسلام را می‌تـوان در سـه مقطـع زمانی مورد واکاوی و بررسی قرار داد.این سه مقطع عبارتنـد از: سـده‌هـای نخسـت اسـلامی، استقرار دولت صفویه و آغاز قرن بیستم (پارک علم و فنـاوری خراسـان، ۱۳۹۰،ص. ١٤).ایـن سه مقطع زمانی در واقع نقاط گسست گفتمان‌های حـاکم بـر تحولـات تـاریخی و توسـعه‌ای شهرمشهد در دوران پیشامدرن و مدرن است که هر یک به نسبت ویژگی‌های تاریخی خـود و به واسطۀ نیروهای وارد شده بر شهر، تأثیرات فضایی، کالبدی و اجتماعی و اقتصادی خـود را براین شهر و نقش و کارکرد آن در طول زمان برجای گذاشته است.

گسست نخست: پیدایش مشهدالرضا(ع)

از مهمترین تحولات تاریخی، سیاسی و مذهبی که در سده‌هـای نخسـت بعـد از اسـلام در شهرهای ایران و خراسان رخ داد، به حکومت رسیدن خلفای سنی مذهب بنی امیـه در ایـران، گرایش مردم ایران به مذهب تشیع با سفر امام رضا(ع) به شهر توس، شهادت ایشـان و تبـدیل مشهد به یکی از کانون‌های مورد توجه مسلمانان است. پس از این جریان، زیارت بـه یکـی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگیِ‌این سرزمین تبدیل شد که نقـش مـؤثری در تحولات شهر مشهد داشته است و مفهوم "زیارت" بـه عنـوان بخشـی از هویـت اجتمـاعی و فضایی شهر مشهد، جریان تصمیم‌سازی‌هـا و سیاسـتگذاری‌هـای شـهری- منطقـه‌ای آن را در طول زمان تحت تأثیر قرار داد. پیش از اسلام و در دورۀ ساسانیان در دهکدۀ سرسبز سـناباد از توابع توس، بنایی مجللی ساخته شد که محل استقرار مرزبانان توس بود. پس از فتح خراسـان

به دست مسلمانان، در اختیار والیان خراسان قرار داشت و پس از شهادت امام رضا(ع) در سال ۲۰۳ ه.ق و دفن ایشان در این مکان، پیروان ایشان برای زیارت و بعدها برای سکونت به این منطقه مهاجرت کردند. پیدایش شهر مشهد و توسعهٔ کالبدی آن مرهون وجود مرقد امام رضا(ع) دراین مکان است. در سال ۷۹۱ ه.ق مهاجرت گستردهٔ مردم توس به روستای سناباد آغاز شد که خود می‌تواند مبدأ تاریخ بنای شهر مشهد باشد (فرنهاد، مطالعات پایه زیارت، ۱۳۹۳، ص. ۱۵).

دومین گسست: استقرار حکومت صفوی و تسلط گفتمان مذهبی

در دوران حکوکت صفویان، مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد و به تبع آن جمعیت شیعه در ایران رو به فزونی نهاد و مشهد به یکی از مراکز مهم دینی، سیاسی و فرهنگی کشور تبدیل شد و به عنوان یکی از پایگاه–های مهم صفویان در طی جنگ‌های طولانی مدت صفوی با حکومت‌های سنی مذهب ازبکان در شرق و عثمانی در غرب، ایفای نقش کرد. بنابراین، دراین دوران تقویت نقش و کارکرد زیارتی و مذهبی مشهد تحت تأثیر ایدئولوژی دینی مذهبی تقویت شد. در دوران صفوی مذهب تشیع رسمیت یافت وآیین‌های ویژهٔ زیارت تدوین شد. همزمان با تغییرات و تحولات کالبدی– فضایی شهر مشهد، تغییرات ساختاری از لحاظ معماری، طراحی نیز در ساختار حرم آغاز شد که ماحصل آن ساخت گنبدها، صحن و رواق‌های متعدد بود. تولیت آستان قدس از آغاز دوران صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران اهمیت یافت و توسط پادشاه وقت تعیین شد. تا قبل از دورهٔ صفویه ادارهٔ امور حرم به عهدهٔ سادات موسوی و رضوی بود. با شکل‌گیری آستان قدس‌رضوی که وظیفهٔ خدمات‌رسانی به زائران بارگاه رضوی را به عهده داشته به تدریج به یک سازمان بزرگ مذهبی، فرهنگی و اقتصادی در مقیاس ملی و فراملی تبدیل شد، بطوری‌که در حال حاضر یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر سیاستگذاری‌های کلان کشور و بازیگران قدرت در سطح ملی و فراملی است. این نهاد سردمدار مدیریت زمین در شهر مشهد به وسیلهٔ "وقف" است. وقف یکی از سنت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در ایران بعد از ورود اسلام بوده است. نسبت نزدیک بین گرایش به وقف و باورها و مناسک مذهبی موجب آن شده است که به گونه‌ای طبیعی و قابل درک، میزان وقف در مناطق، شهرها و اماکن

مذهبی بیشتر باشد. این قاعده شامل شهر مشهد نیز می‌شود. موقوفات شهر مشهد سابقه‌ای بس دیرینه دارد و بویژه در عصر صفوی به اوج خود می‌رسد و در دوره‌های بعد، از جمله در دورهٔ پهلوی- علیرغم برخی فراز و فرودها - نیز استمرار می یابد. ۵۸ وقف‌نامه از دورهٔ صفویه به جا مانده است (اداره کل اوقاف و امور خیریه مشهد، ١٣٩٦) که نشان‌دهندهٔ اهمیت وقف در مدیریت زمین در شهر مشهد می‌باشد (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲، ص.۱۱۰).

فرایند توسعهٔ شهر مشهد و حرم مطهر به عنوان مهمترین عنصر کالبدی زیارت، تحت تأثیر عامل مذهبی در دوران تسلط گفتمان پیشامدرن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- وفات امام رضا(ع) در سال ۲۰۳ ه.ق و دفن ایشان در باغ سناباد توس وایجاد بقعه‌ای کوچک.
- ایجاد حصاری برگرد بقعه در زمان سلطان سنجر سلجوقی و پیدایش قریهٔ مشهد-الرضا.
- تبدیل قریه به شهر مشهد و رونق آن به جای توس در قرن هشتم هجری.
- توسعهٔ حرم در زمان شاهرخ تیموری (مسجد گوهرشاد، رواق ها و مدرسه).
- تکمیل اماکن پیرامون حرم در زمان سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی.
- ایجاد بالا خیابان و پایین خیابان در زمان شاه عباس صفوی و تکمیل بناهای حرم.
- ساخت مناره‌های جدید و طلا کاری‌ایوان اصلی حرم و ایجاد سقاخانه در زمان نادرشاه(فرنهاد، مطالعات پایه زیارت، ۱۳۹۳، ص.١٦).

۵. ۲. ۲. کلان گفتمان دوران مدرن

گسست نخست: جنبش مشروطیت

آشنایی ایرانیان، با «مدرنیسم» به دوران قاجار و آغاز گفتمان دوران مدرن درایران و تلاش برای تحول و دگرگونی در سامان و شقوق مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی، جامعهٔ ایرانی باز می‌گردد. با الهام از موضع گسست انگار فوکو، آغاز جنبش مشروطه را باید در دورانی جست وجو کرد که گسستی درصورت بندی روابط قدرت رخ داده باشد و با تکیه بر موضع روایی وی روایت این جنبش را می‌توان از همان برهه آغاز کرد. طرح کلی روایت معمول و مرسوم از جنبش مشروطه و شکست ایران در جنگ های ایران و روسیه آغاز می شود، با

اصلاحات عباس میرزا در نظام سلطنت و سپس عصـر میرزاتقـی خـانی و عصـر سپهسـالار و جنبش تنباکو ادامه یافت و با جنبش مشروطه پایان می‌پذیرد.چنین روایتـی مـدعی اسـت تـا پیش از قرن نوزدهم مواجهـه و آشـنایی مـی‌یابـد (صـدیقی، ۱۳۹۰، ص.۸). تحلیـل تحولـات شهری ایران در دوران مشروطیت از منظر تبارشناسی، فضای تحلیلی متفاوتی اسـت. بـروز و ظهور نیروهای اجتماعی نو در فضای اجتماعی و تغییر در اقتصاد قدرت است کـه برشـی در تاریخ به شمار می‌آید. از این زمان است که تضاد روشـنفکران در وهلـهٔ نخسـت بـا دسـتگاه سلطنت آشکار شد و متناسب با میزان تعارضشان با دسـتگاه سـلطنت، نسـب شـان بـا دیگـر نیروهای اجتماعی (روحانیان و تجار) نیز تعیین شد .بنابراین، در این دوران ، منطـق تـاریخ در ایران دگرگون می شود. گروهی موسـوم بـه روشـنفکران، بـا تکیـه بـر شـعار " ملـت " و" حکومت ملت بر ملت " در صحنهٔ سیاسی اجتماعی ایـران ظـاهر مـی‌شـوند (صـدیقی،۱۳۹۰، ص.۱۱). بازنمود جنبش مشروطیت در شهرهای بزرگ ایران همچون مشـهد، تغییـر و تحـول اجتماعی و افزایش مطالبه‌گری در شهرها و هدایت آن توسـط روشـنفکران دینـی و سیاسـی- اجتماعی آن دوران بود. مردم خراسان و به ویژه مشهد، نقش مؤثری در پیـروزی ایـن جنـبش داشتند. به دلیل فشارهای ناشی از سرکوب قیام‌هایی که روی داده بود، نهادهای مربوط به نظام مشروطه، دیرتر از سایر نقاط کشور در مشهد شـکل گرفـت، امـا اخبـار مبـارزات و قیام‌هـای گستردهٔ مردم، توسط زائران بارگاه امام رضا(ع)، به سایر نقاط کشور منتقل می‌شد و در تهیـیج افکار عمومی، برای مبارزه با اسـتبداد و رسـیدن بـه عـدالت و برابـری نقـش مـؤثری داشـت (احمدی و خوشبین، ۱۳۹۳، صص.١٦-١٢) .نکتهٔ اساسی در این مقطع، حضـور روحانیـت در کنار سایر روشنفکران مبارز، به منظور انتقال و توزیع قدرت حاکمیت بـه سـطح جامعـه بـود. بررسی تحولات کالبدی شهرمشهد در دوران مشروطیت حاکی از تسلط نقش زیارتی شـهر در فرایند توسعهٔ شهری است. تا سال ۱۲۵۳ مشهد دارای ساختاری سنتی بوده، گسترش آن بطـور تدریجی پیرامون حرم صورت گرفته بود. نخستین عنصر غیرسنتی ساختار شـهر در دوره شـاه عباس صفوی به شکل خیابانی عریض در امتداد نهر چشمه گیلاس کـه از طراحـی چهـار بـاغ اصفهان الهام گرفته بود ایجاد شد که مهم‌تـرین محـور ارتبـاطی در بافـت سـنتی بـوده اسـت (مهرازان،۱۳۷۰، صص. ۱۳-۱۲). ایجاد صحن‌هـای جدیـد در حـرم امـام رضـا(ع) و تکمیـل

بناهای شهری و مذهبی در دورۀ قاجار از جمله شاخصه‌های این برهه از تاریخ شهری مشهد می‌باشد. پس از تأسیس ادارۀ اوقاف و صنایع مستظرفه در دوران مشروطه، این نهاد تحولات و دگرگونی‌هایی را در طول دوران قاجار به خود دید که اثرات آن در افزایش تعداد موقوفات در شهرها نمود یافته است (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). از دورۀ قاجاریه، متولی آستان قدس، جایگاه سیاسی و اداری نیز پیدا کرد، تقویت اقتصادی و اهمیت اجتماعی بسیاری از تحولات معاصر در گسترش مشهد در آن دوره، حاصل کمک های وقفی است که به آستان قدس صورت گرفته و اسنادش باقی است (ادارۀ اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۵).

دومین گسست: آغاز حکومت پهلوی و تسلط گفتمان ملی‌گرایی

آغاز حکومت پهلوی نقطۀ عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. سلسلۀ پهلوی و روی کار آمدن رضا شاه از همان روزهای نخست در امتداد استقرار نظام جهانی و استعمار انگلستان (رمضانی، ۱۳۸٦، ص.۵۷) و ملی‌گرایی افراطی با هدف [مدرنیزه کردن کشور] شکل گرفت (صدیقی، ۱۳۷۲، صص. ۷۹-۷۸). او با کوشش‌های فراوان در امور نظامی و اعزام محصل به خارج و برنامه‌های تجددطلبانه و حذف مذهب، غرب‌زدگی، گرایش به شیوه‌های غربی و.. باعث پیشرفت و ترقی کشور شد .این دوره به دلیل استقرار و تثبیت دولت پهلوی و اجرای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی و بروز تحولات اهمیت خاصی در تاریخ ایران دارد .سیاست‌های فرهنگی رضا شاه حول محور ناسیونالیسم، باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب-زدایی می‌گشت (صدیق، ۱۳۳۸، ص.٤۵). دولت‌مردان رژیم سلطنتی از راه رواج سکولاریسم و تغییر نمادهای دینی و سنت‌های ملی پیکار خود را بر سر مذهب آغاز کردند (هاشمی، ، ص. ٦۷). جنبش تجددخواهی اقتدارگرا برای نوپردازی نیازمند طرح بود و قانون، منبع مالی و مجری. دیوان‌سالاری پهلوی در شهرسازی برای پاسخ‌گویی به‌این نیازها، دستور زبان جدید بر اصول جدیدی چون خیابان‌های طبیعی، الگوی قرن نوزدهم اروپا، توسعۀ شطرنجی، منطقه-بندی و فرسوده‌انگاری بافت کهن را بنیاد نهاد (وحدت زاده، ۱۳۸٦، ص.۲). در دوران پهلوی اول، عناصر تشکیل‌دهندۀ سیمای شهری تغییر ماهیت و نقش داد و به‌عنوان یک جزء در سیستم شهری، نقش‌های غالبا متفاوتی را بازی کرد. فضای شهری در این دوران، نسبت به

دوره‌های پیشین به سمت و سوی فردگرایی و انفکاک فضاهای شهری و گرایش بـه فضـاهای خصوصی در شهر، به پیش رفته و ملی‌گرایی جایگزین انگـاره‌هـا و گـرایش‌هـای مـذهبی، در سبک زندگی شهرنشینان و تمایلات آن‌ها در فرایند توسعهٔ شهرها و نقش و کارکرد آن‌هـا شـد (وحدت زاده، ۱۳۸٦، ص.۳). نوگرایی خمیرمایهٔ اصلی‌این دیگرش بـود و شـهر مکـان تبلـور کالبدی نووارگی و نوگرایی، نوسازی و تجددطلبی شد (ایزد پناه، ۱۳۸۵، ص.۱۲).

جایگاه "وقف" در این دوران تضعیف شد و عوامل قدرت (سـاختار سیاسـی حکومـت و قوانین) در جهت انتقال قدرت زمـین‌داری بـه حکومـت تلـاش کـرد. رضـا شـاه در راسـتای محـدود کـردن جایگـاه مذهب و روحانیـت در جامعـه، در اوقـاف دخالت کرد. چـون یکـی از منابع قدرت مالی و استقلال علما از این طریـق بود، رضا شاه برای محـروم کـردن علمـا از این استقلال مالی و قطع درآمد و در نتیجه کاسـتن از قدرت آن‌ها، برنامه‌ها و قوانینی ارائه کرد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرایند اداری وقـف بیشتر کند. تصویب قانون موقوفـات در سال ۱۳۱۳ بـرای ادارهٔ امـور وقـف توسـط دولـت، قدرت تصمیم‌گیری وسیعی را بـه دولـت تفویض می کرد. این سیاست‌ها بر روند تبدیل اراضی خصوصی به وقفی اثر قابـل ملاحظـه‌ای داشته است.

در اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی در دورهٔ پهلوی دوم بسیاری از زمـین‌های کشـاورزی مشمول قانون اصـلاحات ارضـی شـدند. کشـاورزان و زمـین‌داران خراسـانی بـرای فـرار از دست این قانون و برای اینکه زمین‌های آنان از دستشان خارج نشود، زمین‌های خود را وقـف کردند. در طی مراحل اصلاحات ارضی هر چند زمـین‌هـای وقفـی در ابتـدا مشـمول قـانون اصلاحات ارضی نشد، ولی این قوانین در مراحل بعدی زمین‌های وقفـی را نیـز دربـر گرفـت. تحولات اقتصادی و اجتماعی دههٔ ٤۰ و ۵۰ و دگرگونی‌های ایجاد شده در نیروهای اقتصـادی و اجتماعی ایران باعث نزدیکـی بـازار و روحانیـت شـد. در ایـن زمـان سیاسـت‌هـای اقتصادی حکومت به عرصهٔ بازار و تجارت نیز کشـیده شـد. بازار سنتی که دیگـر خـود را از گـود خـارج مـی‌دیـد، بـا روحانیـت همگرایـی عمیقتری پیدا کـرد. سـاکنان و شـاغلان بـازار مشهد از یک سو به خاطر فضای مذهبی بافـت شهر و نزدیکی به حرم مطهر و از سوی دیگـر پیوستگی دیرینهٔ بازار و روحانیت، بیشترین حضـور را در فعالیـت‌هـای اجتمـاعی و مـذهبی

بخصوص در زمینۀ وقف مغازه و دکـان انجام دادند. طبق اسناد ادارۀ اوقاف و دفتـر موقوفـات آستان قدس، در مجموع در دورۀ پهلوی در مشهد ۲٦۸ مورد وقف صـورت گرفتـه اسـت. در دورۀ پهلوی بیش از ۵۰ درصد رقبه‌های وقفی، موقوفاتی از نوع باغ و زمین و مابقی در زمینـۀ مسکن زائر، تجاری، درمانی و پزشکی و امور اجتماعی بوده است (نیک‌مهر و وکیلـی، ۱۳۹۲، صص.۱۱٤-۱۱۲).

گفتمان مسلط در این دوران باعث تغییراتی در بافت قدیمی مشـهد شـد. سـاختار شـهر و جهت توسعه به سمت غرب و جنوب‌غرب امتداد یافت. سه عنصر شاخص شهری، هـدایت و توسعۀ شهر را بر عهده داشته است این عناصر عبارتند از: خیابان، فلکه و ساختمان‌های دولتـی و خدماتی که در موقعیت‌های بسیار مناسبی در شهر قرار گرفته‌اند. رشـد وگسـترش فیزیکـی شهر مشهد با کشیده شدن خیابان‌های جدید بر روی بافت قدیم آغاز شـد (رهنمـا،۱۳۷۰، ص. ۳۸).

در فاصلۀ سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۲۵، توسعۀ فیزیکی شهرمشهد همچـون دورۀ قبـل در جهـت غرب و جنوب غرب ادامه یافت، ولی خطوط اصلی توسعه همان چارچوب و اسـتخوان‌بنـدی شکل گرفته در ۲۵ سال اولیۀ این قرن بود. همچنین، توسـعه در بخـش‌هـایی از شـمال آن بـه شکل حاشیه‌ای و غیرمنظم در مجـاورت شـهر بـه وقـوع پیوسـت. در ایـن زمـان راه‌آهـن و فرودگاه حدود شـرقی و جنوب‌شرقی شـهر را تا حـدی تثبیـت کرده بودند (آجودانی، ۱۳۸۵، ص. ۹۱). از دهۀ ٤۰ به بعد تحولاتی که در کل کشور اتفاق افتاد؛ از جمله با اجرای اصـلاحات ارضی در سال ۱۳٤۱، گران شدن نفت در ۱۳۵۲ و تزریـق درآمـد نفـت بـه اقتصـاد کشـور و صرف آن در شهرها در قالب توسعۀ فعالیت‌های صـنعتی، تأسیسـات اداری و... کـه منجـر بـه ایجاد زمینۀ اشتغال و هجوم مهاجران روستایی وگسستگی روابط شهر و روسـتا شـد. در ایـن مقطع زمانی، نقش شهر مشهد از زیارتی و گردشگری به اداری و سیاسی ارتقـا یافتـه و عامـل مذهبی از اهمیت کمتری در هدایت توسعۀ شهر برخوردار بوده است. در پیوند قدرت و دانش و شکل‌گیری نظام بروکراتیک پهلوی، تحولات دهۀ ٤۰ و مشکلات ناشی از رشد جمعیت، بـی توجهی به نحوۀ استفاده از اراضی، توسعۀ نامنظم شهر و... باعث شد که تهیۀ طرح جامع شـهر در سال ۱۳٤٦ به مهندسین مشاور خازنی ابلاغ شود. این طرح برای یک دورۀ ۲۵ساله (۱۳۷۰-

۱۳٤۵) تنظیم و در سال ۱۳۵۰ به شورای عالی شهرسازی تسلیم و پس از تصویب مراحل اجرایی آن در سال ۱۳۵۲ به شهرداری ابلاغ شد.

محور اصلی توسعه که در این سال احداث شد، جادهٔ سنتو بود که محدودهٔ جنوبی و غربی شهر را تا سال ۱۳۵۵ تعیین می‌کرد. ایجاد دانشگاه فردوسی و پارک ملت در محدودهٔ غربی جادهٔ سنتو از عواملی بودند که توسعهٔ شهر را به سمت غرب تشدید کردند. در سمت شمال و شرق شهر توسعه به صورت حاشیه‌ای انجام گرفته و روستاهای زیادی با بافت شهر ادغام شدند. شروع به احداث کمربندی صدمتری، بر اساس طرح جامع، نیز از سال ۱۳۵۵ به بعد در سمت شمال و شمال شرق شهر رشد مدرنیته و مدرن‌سازی توسعه‌های حاشیه‌ای را در اطراف خود تشدید نمود (عباس زاده، ۱۳۸٤، ص. ۹۹). در مجموع تسلط گفتمان مبتنی بر الگوی مدرنیسم در شهر مشهد، دو تحول عمده در بافت کالبدی ایجاد کرد که همراستا با تحولات شهرسازی دوران استیلای مدرنیسم درایران رخ داد. این دو مورد عبارتند از: احداث میدان‌ها و خیابان‌های جدید در دورهٔ پهلوی اول وتخریب و توسعهٔ فضاهای پیرامون حرم وایجاد بازار رضا در دورهٔ پهلوی دوم؛ بنابراین دانش به‌عنوان اهرم تقویت‌کنندهٔ قدرت حاکمه در جهت-دهی به توسعهٔ شهر عمل کرد.

سومین گسست: انقلاب اسلامی ایران و تسلط خُردگفتمان‌های ایدئولوژیک

گفتمان حاکم بر تحولات ساخت و بافت شهر مشهد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تابعی از گفتمان اصول‌گرایی و توجه به ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی و محور قرار دادن آن در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری کلان و خُرد حاکمیت می‌باشد. برنامه‌ریزی مبتنی بر ایدئواوژی اسلامی و القای این تفکر به قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ کشور، جهت گیری توسعهٔ کلان‌شهرهایی چون مشهد را روشن ساخت. مادهٔ ۱۰٤ این قانون به ارتقای توان گردشگری در مناطق مستعد اختصاص یافت. تأمین زیرساخت‌های گردشگری، حمایت از ورود بخش خصوصی به اقتصاد گردشگری، افزایش رقابت‌پذیری نواحی مستعد، حمایت‌های دولتی از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی گردشگری در این برنامه مورد تأکید قرار گرفت که زمینهٔ توسعهٔ گردشگری در شهرهایی چون مشهد را فراهم کرد واین فرایند در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ادامه یافت. در طرح‌های توسعهٔ منطقه‌ای و محلی و پژوهش‌های حوزهٔ

گردشگری و زیارت که در تعاملی مشترک میان نهادهای مدیریتی و مراکز علمـی و پژوهشـی تدوین شد، اپیستمه[۱]، پشتیبان نقش گردشگری- زیارت مشهد پدیدار شد.

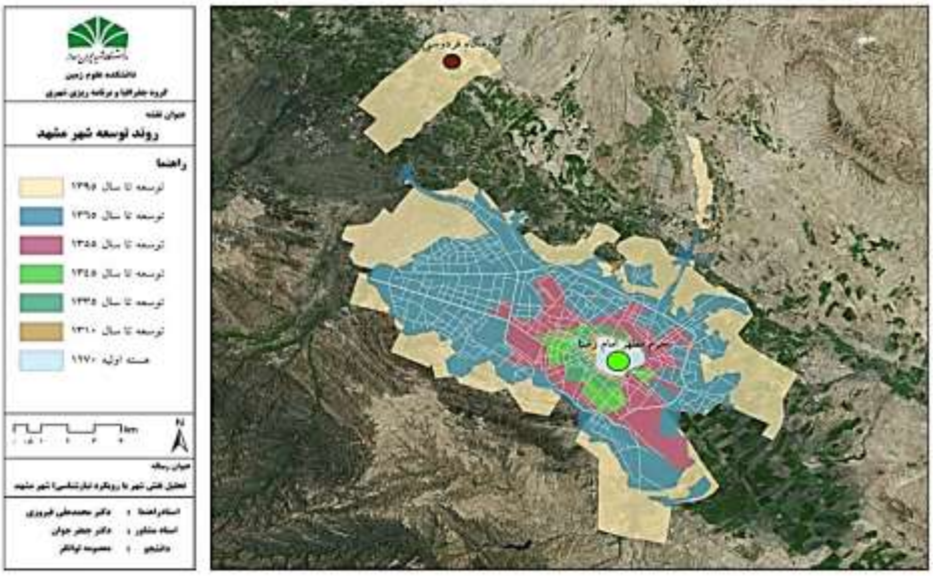
براین اساس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی‌ایران و در پی گسـترش تسـهیلات و خـدمات زیارتی و گردشگری، تحولات عمیق و وسیعی در حجم زائـران و شـیوۀ زیـارت و اقامـت در مشهد پدید آمد. حضور سالانۀ میلیون و روزانه چند صد هـزار نفـری زائـر و گردشـگر عامـل بسیار مؤثر و ویژه‌ای است که بر تمـام مناسـبات اقتصـادی و اجتمـاعی، رفتارهـای فرهنگـی، فضاهای شهر و سیمای کالبدی- فضایی شهر و نقش و کارکرد آن در طول زمان تأثیر گذاشـته است. شهر مشهد حوزۀ فعالیت زائران و گردشگرانی شد که علـاوه بـر انگیـزۀ اصـلی زیـارت تمایل داشتند از سایر جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی پیرامون شهر بهـره‌منـد شـوند. بـه همین دلیل تقاضای گردشگری به دنبال گسـترش روزافـزون زائـران رو بـه توسـعه گذاشـت. اگرچه استقرار حکومت مبتنی برایدئولوژی اسلامی در این مقطع و تسلط گفتمان سنتی جدید، محدودیت‌هایی را برای توسعۀ فعالیت‌های گردشگری‌ایجاد کـرد، امـا فراینـد جهـانی‌شـدن و فراگفتمـان‌هـای فرهنگـی و اجتمـاعی، فضـای شـهرمشـهد را بـه سـمت و سـوی تفکـرات پسامدرنیستی به پیش برد، بطوری که انعکاس آن را می توان در اسناد توسعۀ شهری و طرح‌ها و پروژه‌های گردشگری و اقدامات و برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی شـهری مشـاهده کـرد. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که دراین راستا انجام شده است، توجه به شناسایی، احیـا و باززنـده-سازی فضاهای میراثی و واجد ارزش های مکانی- فضـایی و میـراث تـاریخی و فرهنگـی در شهر مشهد است. بررسی اسناد فرادستی توسعۀ شهر مشهد بعد از انقلاب نیز حاکی از تقویـت نقش زیارت و گردشگری دراین طرح هاست.

در طرح مجموعۀ شهری مشهد، ارزیابی دقیقی از امکانات و محدودیت‌های توسعۀ زیارت و گردشگری صورت گرفت تا بتواند برای تأمین نیازهای زیارتی و گردشگری به طور توأمـان و هماهنگ در جهت الگوی تمرکز غیر متمرکز وایجاد کانون‌های جدید فعالیت و تقسـیم کـار متوازن بر اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی گردشگری برنامه‌ریزی کرد.

1. Episteme

در طرح جامع مشهد، مهم‌ترین مسئله، تعریف جایگاه مجموعهٔ حرم و زائران آن در ساختار فضایی و کارکردی شهر مشهد در چارچوب توسعهٔ پایدار شهری است. بعد از آن برنامه‌ریزی و آینده نگری برای تأمین سایر نیازهای فراغتی و گردشگری برای عامهٔ گردشگران در مقیاس‌های مختلف شهری، ملی، منطقه‌ای و فراملی است. در مقیاس طرح‌های تفصیلی شهری، عمدتا مطالعات دارای دو هدف است؛ نخست تعیین جایگاه و نقش و کارکرد مناطق شهری از طریق تأمین خدمات زیارتی و امکانات آن در جهت کمک به توسعهٔ پایدار و متوازن شهری و دوم، شناسایی و تجهیز سایر منابع فراغتی و گردشگری در سطح منطقه به منظور بهره‌برداری پایدار در مقیاس منطقه‌ای، شهری و فراشهری (فرنهاد، مطالعات پایه زیارت، ۱۳۹۳، ص.۲۵). در این اسناد توسعه‌ای، "زیارت و گردشگری" به‌عنوان نقش مسلط در برنامه‌ریزی‌ها، هدف‌گذاری شده و برنامه های بلندمدت و میان‌مدت شهری بر آن اساس تدوین شده است. این فرایند به نحوی بر بافت کالبدی شهرمشهد تأثیرگزار بوده که محلات پویا و فعال اجتماعی مرکز شهرمشهد را تبدیل به محدوده‌های گردشگرپذیر کرده و کارکرد مسکونی و اجتماعی شهری آن را تغییر داده است. چالش اساسی که در طی سه سالهٔ اخیر در این محدوده‌ها رخ داده است، سایهٔ نگاه کاسب‌کارانه به گردشگر است و هویت تاریخی شهر از دید اندک ساکنان باقی مانده، بهره‌برداران زمین و دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری چندان حائز اهمیت نبوده است. فرایند اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت مرکزی شهرمشهد به نوعی مقوّم این طرز تفکر به شهر بوده است که نتیجهٔ آن تخریب و نابودی محلات دارای ارزش معنایی و هویتی شهر مشهد است. اگر چه اخیرا به منظور کنترل و مدیریت‌این موضوع اقداماتی صورت گرفته، فضاهای از دست رفتهٔ شهری مشهد، به آن باز نخواهد گشت. در سال‌های اخیر به منظور جلوگیری از تداوم اقدامات مغایر با حفاظت از حیثیت مکان و ارزش‌های ملموس و ناملموس بافت تاریخی- فرهنگی پیرامون حرم امام رضا (ع)، طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم - مصوب سال ۱۳۸۷- لغو و اجرای آن متوقف شد و پس از آن در مرداد ۱۳۹٦ ضوابط حریم منظری حرم امام رضا(ع) به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. پیگیری و تدوین و تصویب ضوابط مذکور حاکی از نقش پر رنگ و مسلط زیارت و هویت شهری مبتنی بر فرهنگ زیارت در شهر مشهد است که همچنان از طریق عناصر قدرت

و رشته‌ها و شبکه‌های دانش‌پشتیبان آن، به بازتولید فضای شهری بر مبنای‌ایدئولوژی حاکم می پردازد.

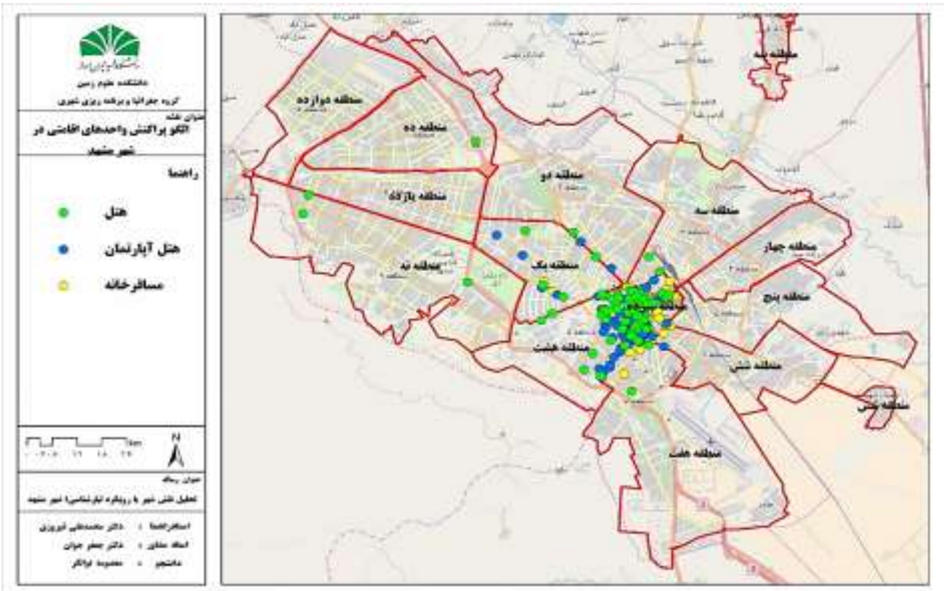


شکل۲- نقشهٔ روند توسعهٔ فیزیکی شهرمشهد از ۱۳۰۰تا ۱۳۹۵

مأخذ: مهندسین مشاور فرنهاد، ۱۳۹۳

آثار استیلای گفتمان زیارت - گردشگری و تقویت‌این نقش، در نحوهٔ برنامه‌ریزی و مدیریت بر زیرساخت‌های گردشگری و زیارت و آمار ورودی زایران و گردشگران هویدا ست. این آثار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و کالبدی قابل طرح و واکاوی است.ذبر اساس مدل تعیین نقش شهر بوژوگارنیه و همچنین آمار تعداد شاغلین ارایه شده توسط شهرداری مشهد، طی سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۹۰)، نقش شهرمشهد به سمت نقش بازرگانی سوق یافته و شهرمشهد، با توجه به آمار سال ۱۳۹۵ دارای نقش بازرگانی- تجاری می باشد. عمده فعالیت‌های خرده‌فروشی نیز در زمینهٔ ارائهٔ کالاها و خدمات بخش گردشگری و به ویژه سوغات گزارش شده است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵). درآمد حاصل از زائر و زائرپذیری در شهرمشهد بسیار چشمگیر است به طوری که از ۹۱٫۷ میلیارد ریال در سال ۱۳٦۵ به حدود ۱۰٤ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و به رقم ۸٦۳۸٫٦۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته

است(استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۰، ص. ٣٤). روند حضور زائرین در شهر مشهد، دارای روندی صعودی بوده و با شیبی ملایم، تعداد گردشگران و زائران کلان‌شهرمشهد در سال‌های آینده رو به افزایش است. بطوری‌که از ۲۳ میلیون‌نفر در سال ۱۳۹۲ به ۳۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹٦ رسیده است(استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹٦، ص. ۱۰). نقش و کارکرد گردشگری در شهرها، علاوه بر تأثیراتی که بر بافت و ساخت کالبدی شهر برجای می‌گذارد، در برنامه‌ریزی کاربری اراضی و تخصیص زمین و منابع مالی، به تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز این نقش نیز می‌انجامد. لذا پذیرش نقش گردشگری و تقویت و توسعهٔ آن در طی دوره‌های مختلف تحولات فیزیکی و کالبدی شهر مشهد، از طریق واکاوی چگونگی تخصیص تسهیلات و تجهیزات شهری و پراکنش آن‌ها در فضای شهری مرتبط با این نقش نیز قابل تحلیل است. زیرساخت‌ها در برگیرندهٔ تمامی ساخت و سازهای زیربنایی و روبنایی یک محدودهٔ جغرافیایی محسوب می‌شوند و به طور عمده شامل سیستم‌های ارتباطی، سیستم‌های بهداشتی، حمل‌ونقل واجزای آن، هتل‌ها،رستوران‌ها، مراکزخرید، مراکزتفریح و...می‌باشند.



شکل۳- الگوی پراکنش تأسیسات اقامتی (هتل‌ها و هتل آپارتمان‌ها) در شهر مشهد

مأخذ: ادارهٔ کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی، ۱۳۹٦

زائران و گردشگران شهر مشهد در حقیقت شهروندان موقتی هستند که همانند شهروندان از تأسیسات و تجهیزات شهری استفاده می کنند. لذا بر اساس مطالعات طرح جامع شهر مشهد و طرح‌های توسعهٔ حوزه زیارت و گردشگری، سرانهٔ تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز با توجه به جمعیت ساکن و موقت (گردشگر) شهر مشهد تا افق ۱۴۰۴ محاسبه شده تا فضای شهری توانایی پاسخ‌گویی به نیاز گردشگران و ساکنان را داشته باشد. این زیرساخت‌ها شامل ۷۰۰ کیلومتر معبر درون شهری، پنج نوع تاکسی فعال (۱۳۲۷۴ دستگاه)، تعداد ۲۱۳۳ دستگاه اتوبوس شهری، ۱۱۲۹۸ فضای پارک در پارکینگ‌های متعلق به شهرداری مشهد، یک خط فعال و سه خط برنامه‌ریزی شده قطار شهری، ۱۴۰۰ کیلومتر خط ریلی با سهم جابجایی۴۲ درصد از کل شبکهٔ ریلی کشور و رتبهٔ دوم بعد ازتهران، انجام بیش‌از ۲۳۸۲۸ پرواز داخلی و ۶۳۷۷ پرواز خارجی (ورودی ۱۳۹۴) از طریق فرودگاه بین‌المللی مشهد، ۹۲۲ واحد تأسیسات اقامتی رسمی(هتل، هتل آپارتمان و مهمانپذیر) با ظرفیت ۹۰۹۱۱ تخت در سال ۱۳۹۶ که بیش‌از ۹۰ درصد آن‌ها در محدودهٔ بافت مرکزی شهر و اطراف حرم مطهر مستقر می باشد، افزایش ظرفیت پذیرش زائر در حرم مطهر در غالب افزایش رواق‌ها و صحن‌ها و فضاهای زیارتی، توسعهٔ روضهٔ منوره، احداث فضاهای فرهنگی، علمی، خدماتی و رفاهی، حفظ و احیای موقوفات و نذورات، ارائهٔ برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی، ایجاد مؤسسات فرهنگی و اجتماعی و... توسط آستان قدس رضوی و اقدامات فرهنگی سازمان‌های متولی مدیریت زیارت و گردشگری، از زیر ساخت‌های کالبدی و فرهنگی است که با هدف توسعهٔ گردشگری و زیارت و تعمیق و تقویت نقش و کارکرد زیارتی- گردشگری شهر مشهد در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دستگاهی و مشترک، برنامه‌ریزی و مدیریت شده است (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۵، سازمان ترافیک شهرداری مشهد، ۱۳۹۵، ادارهٔ کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، ۱۳۹۶).

استیلای گفتمان زیارت -گردشگری بر نقش‌پذیری شهر مشهد، در بررسی ساختار سازمانی و تشکیلاتی اجرایی حوزهٔ زیارت و گردشگری مذهبی- زیارتی بازنمود می یابد. تشکیل و تصویب کارگروه ملی زیارت در دههٔ ۱۳۹۰ با مسئولیت معاون اجرایی رئیس جمهور و همکاری استانداری خراسان رضوی، آستان قدس رضوی، شهرداری مشهد، ادارهٔ کل میراث

فرهنگی استان و سایر دستگاه‌های عضو کارگروه در تراز منطقه‌ای و محلی، مهمترین گام در راستای تقویت نقش زیارتی مشهد بود که با پشتیبانی عناصر قدرت در سطح ملی، شکل گرفت. دستگاه‌های اجرایی در ارتباط با زیارت در سه سطح ملی (دولتی و غیردولتی)، منطقه‌ای و محلی به ایفای نقش در این خصوص می‌پردازند که در تعامل با یکدیگر، گفتمان مسلط و مبتنی بر روابط قدرت/ دانش، تقویت کننده نقش گردشگری- زیارت شهرمشهد را مدیریت می کنند.



شکل٤- دستگاه‌های اجرایی در ارتباط با زائر و زیارت و گردشگری در اسناد و طرح‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

دستگاه‌های ذکر شده بیشترین تأثیرگذاری در تولید و بازتولید فضای شهرمشهد بر مبانی نقش و کارکرد گردشگری و زیارت را رهبری می کنند. علاوه بر گفتمان رسمی مذکور، نهاد آستان قدس رضوی به عنوان یک عامل فراگفتمانی تاثیرگذار با در اختیار داشتن قدرت مدیریت بر اراضی شهری مشهد و مالکیت وقفی ۵۱ درصد از اراضی شهری، به عنوان مهم-ترین عامل قدرت تاثیرگذار بر ساختار مدیریت بر شهر، چگونگی توسعه آن و جهت‌دهی به نقش و کارکرد آن در طول زمان عمل کرده است.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این نوشتار تلاش شده است تا با تمرکز بـر روش تبارشناسـی فوکـو، بـه تحلیـل نقـش زیارتی و گردشگری شهر مشهد، از طریق شناسایی گسسـت‌هـا، گفتمـان‌هـای مسـلط و آثـار فضایی گفتمان‌ها بر شهر مشهد پرداخته شود و با بررسی ساختار قدرت در پیونـد بـا دانـش که به تولید فضای شهری منجر شده، تحلیل مناسبی از تحولات نقش شهری مشهد ارائه شـود. به این منظور، به بررسی پیشینه و منابع علمی مرتبط که عمدتا بـا رویکـرد نحولـات و فراینـد گذار تاریخی شهرها که نهایتا منجر به تغییرات نقش آن‌ها در طول زمان شده اسـت، پرداختـه شده است. مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش بر مبنای اجزای روش تبارشناسی شـامل گسست‌ها،گفتمان‌ها و آثار تسلط گفتمان‌ها تدوین شد. نتایج پژوهش حـاکی از آن اسـت کـه پیدایش و توسعهٔ شهر مشهد در پیوند با نقش زیارتی آن معنا می‌یابد. رهیافت تبارشناسـی بـه مثابهٔ چارچوب نظری و روشی است که پدیدهٔ شهر را با نگاهی تـاریخی مـی‌نگـرد. در نگـاه تاریخی مبتنی بر تبارشناسی، ساختار قدرت/دانش پدیـد آورنـدهٔ نقـش زیـارتی و گردشـگری مشهد، در درون دو کلان‌گفتمان دوران تسلط مدرنیسـم و پـیش از ورود مدرنیسـم، تحلیـل و واکاوی شده است. گفتمان پیشامدرن تحـت تـأثیر دو گسسـت مهـم؛ نخسـت شـهادت امـام رضا(ع) و پیدایش مشهدالرضا و دوم، استقرار حکومت صفویان و رسـمیت مـذهب تشـیع در ایران، عرصهٔ نقش‌آفرینی روابط قدرت/دانش به سمت و سوی تقویت نقش مذهبی و زیـارتی مشهد پیش رفت و در هنگامهٔ ورود مدرنیسم به کشـور و تسـلط گفتمـان مبتنـی بـر آن و در پاسخ به تحولات فضای اجتماعی شهر، در تعامل با فضای جهانی و ملی و در قالب سـه خُـرد گفتمان مشروطیت، ملی‌گرایی عصر پهلوی و اصول‌گرایی پس از پیروزی انقلـاب اسـلامی، بـه سوی نقش تلفیقی زیارتی- گردشگری حرکت کرد. شهرمشهد به عنوان نخستین شـهر اسـتان خراسان رضوی در طول دورهٔ شکل‌گیری و رشد خود، گسترش فیزیکی قابل تـوجهی داشـته است. یکی از ویژگی‌های توسعهٔ فضایی مشهد، برخلاف سایر کلـان‌شـهرهای کشـور، توسـعه تحت تأثیر فعالیت‌های اقتصادی بخش خدمات (به طور عمده زیارتی وگردشگری) است. این ویژگی در تشدید تمرکز خدمات و صنایع مصرفی در نزدیکی شهر و عدم شکل‌گیـری مراکـز صنایع اساسی و سکونت‌گاه‌های مستقل در پیرامون شهر مـؤثر بـوده اسـت. اگـر چـه جنـبش

مشروطیت یکی از مهم‌ترین نقاط گسست تاریخی مشهد و تغییر رویکرد توسعهٔ شهری و تحولات اجتماعی جریان روشنفکری در ایران بود، نتایج آن در بعد کالبدی و اقتصادی در دوران پهلوی بروز و نمود بیشتری یافت. گفتمان حاکم بر تحولات شهری دوران پهلوی اول و دوم در عرصهٔ شهری، تماما بر پایهٔ اصول مدرنیسم (هرچند ناقص) و فارغ از تفکرات مذهبی تاثیرگذار بر برنامه‌ریزی و مدیریت شهر بود و تفکر "جدایی سیاست از دین" بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی سایه افکنده بود. تحولات شهری و توسعهٔ کالبدی– فیزیکی شهرها بر پایهٔ مدل‌های غربی و نقش‌پذیری شهرها بر پایهٔ نقش ملی و بین‌المللی آن‌ها و نظام سلسله‌مراتبی توزیع قدرت در کشور، تعریف می‌شد که انعکاس و بازنمود آن را می‌توان در طرح های توسعهٔ منطقه‌ای و محلی و برنامه‌های توسعهٔ کشور و شهرهای بزرگی چون مشهد در آن مقطع مشاهده کرد. مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی جهان اسلام با حدود ۲۷ میلیون زائر در سال ۱۳۹۵ و پذیرش نقش بین‌المللی"مشهد پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷" از جایگاه ویژگی در صنعت گردشگری‌ایران برخوردار است. وجود بالغ بر ۱۵۰۰ واحد اقامتی با ظرفیت اسکان ۱۱۷۰۰۰ نفر شب، ١٦ اقامتگاه بوم-گردی، ۳۳۷ دفتر و شرکت خدمات مسافرتی ، ۱۵۸ مجتمع پذیرایی، میان‌راهی و سفره‌خانهٔ سنتی، دریافت رتبهٔ برتر ملی در حوزهٔ نظارت بر تأسیسات گردشگری (مهرماه ٩٦)، وجود ۱۲ روستای هدف گردشگری و ۳۳ منطقهٔ نمونهٔ گردشگری از جمله نقاط قوت و پتانسیل-هایی است که این استان و به‌ویژه شهر مشهد به منظور توسعهٔ صنعت گردشگری در اختیار دارد. همچنین، وجود ١٤٠٧ اثر تاریخی ثبت شدهٔ استان در فهرست آثار ملی که در حدود ۵۰۰ اثر آن مربوط به شهرمشهد می باشد، وجود موزه‌های باستان‌شناسی و مردم شناسی، اختصاص ۳ روز از ۵ روز ملی مفاخر و مشاهیر کشور در استان با مرکزیت مشهد، وجود ۷ پایگاه میراث فرهنگی ملی در استان که پایگاه توس به عنوان یکی از مهم‌ترین این موارد است و در محدودهٔ شهرمشهد، یکی از جاذبه‌ها و ذخایر فرهنگی و گردشگری این شهر محسوب می‌شود و ارتباطات مستمر اداری و حقوقی دستگاه‌های اجرایی شهرمشهد که هریک دارای شرح وظیفهٔ سازمانی در مدیریت و ارایه خدمات گردشگری هستند، حاکی از برتری نقش گردشگری و زیارتی در این کلان‌شهر است. بنابراین، تحلیل تبارشناسانهٔ نقش شهر مشهد

نشان می‌دهد که نقش زیارتی به عنوان نقطهٔ آغاز پیدایش و توسعهٔ شهر مشهد بوده و تا کنون نیز استمرار یافته است، اما تحولات سیاسی – اجتماعی و ورود تفکرات مبتنی بر سرمایه‌داری دوران مدرنیسم و پست مدرنیسم فضای شهر را در ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، به سمت و سوی نقش مکمل زیارتی، یعنی گردشگری سوق داده است و ساختارهای درهم تنیدهٔ دانش و قدرت، در یک مشارکت فعال و آگاهانه، توسعهٔ شهری را به سمت تلفیق نقش زیارت با گردشگری هدایت کرده‌اند. از آنجا که تبارشناسی، رویکردی انتقادی به مسائل دارد، ره‌آورد پژوهش حاضر می‌تواند پاسخ‌گوی تعارضات نظری برنامه‌ریزان و بازیگران حوزهٔ مدیریت زیارت و گردشگری در کشور و شهر مشهد باشد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ب. (۱۳۷٤). کتاب تردید. چاپ یازدهم. تهران: نشرمرکز.

۲. احمدی، ح؛ خوشبین، م. (۱۳۹۳). مشروطیت در مشهد : زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه. *فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران* ، ۱۱۱ (۲۱)، ۲۳-۱۱.

۳. اخلاقی‌فیض‌آثار، م؛ ابریشمی، ح. (۱۳۷۰). *نقش صنعت توریسم در تحولات اقتصادی شهرمشهد*. پایان نامهٔ منتشرنشدهٔ کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی. دانشگاه تهران. تهران.ایران.

٤. ادارهٔ کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی. (۱۳۹٦).گزارش آماری گردشگران ورودی به خراسان رضوی.

۵. استانداری خراسان رضوی. (۱۳۹۵).گزارش عملکرد دولت تدبیر و امید.

٦. استانداری خراسان رضوی. (۱۳۹٦). گزارش معاونت زیارت از گردشگران ورودی به خراسان رضوی .

۷. استانداری خراسان رضوی.(۱۳۹۰). طرح آمایش استان خراسان رضوی، گزارش پیوندهای اقتصادی استان.

۸. امیرفخریان، م؛ رهنما، م. ر. (۱۳۸٤). بررسی روند احیای مرکز شهرمشهد (۱۳۸٤-۱۳۵۷). *مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای*، ٤ (۱)، ۱۰۳-۸۳.

۹. امیرفخریان، م؛ مبینی، ح. (۱۳۹٦). *تدوین شاخص‌های شناسایی مکان های با ارزش معنایی و هویتی در شهرمشهد*. تهران: دفتر مرکزی جهاددانشگاهی.

۱۰. ایزدپناه جهرمی، آ؛ ایزدی، ن؛ حبیبی، س. م؛ کوشش، م؛ ملکوتی، م؛ اهری؛ افشنگ. ز. (۱۳۸۵). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تاکید بر دورهٔ زمانی ۱۳۸۳ – ۱۳۵۷*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۱. بحیرایی، ح؛ سرور، ر؛ کارگر، ب؛ فرجی راد، ع. (۱۳۹۵). تحلیل راهبردی تحولات فضایی– کارکردی در پهنهٔ حریم جنوبی کلان‌شهر تهران: مطالعهٔ موردی: شهرستان‌های ری و اسلامشهر. *فصل‌نامهٔ علمی – پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۲۵(۹۸)، ۷۲–۵۷.

۱۲. برزگران، ح. ع. (۱۳۷٦). نقش پذیری شهر بیرجند از گذشته تا کنون. *مجلهٔ آموزش جغرافیا*، ٤٤ (۳). ٤١–۳۰.

۱۳. پارک علم و فناوری خراسان. (۱۳۹۰). طرح توسعهٔ کمی کیفی زیارت امام رضا(ع)؛ بررسی تطبیقی الگوهای توسعه زیارت در شهرهای زیارتی منتخب جهان.

۱٤. رمضانی، ع. (۱۳۸٦). *رضا شاه چهرهٔ تاریخی* .تهران: امیرکبیر.

۱۵. رهنما، م. ر. (۱۳۷۰). *بررسی علل رشد و توسعهٔ شهرمشهد*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۱٦. سازمان ترافیک و حمل و نقل شهرداری مشهد. آمارنامهٔ حمل و نقل شهرمشهد.(۱۳۹۵).

۱۷. سقایی ، م. (۱۳۸۲). گردشگری و تبارشناسی، صورتبندی یک پدیده جغرافیایی. *فصل‌نامهٔ تحقیقات جغرافیایی*، (٦۸)، ٤۹–۲٤.

۱۸. شبلینگ، ژ. (۱۳۷۷). *جغرافیا* چیست. (ترجمه، س. سهامی). مشهد: محقق.

۱۹. شرِت، ا. (۱۳۸۷). *فلسفهٔ علوم اجتماعی قاره ای :هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریهٔ انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست و یکم*. (ترجمه ، ه. جلیلی). تهران :نشر نی.

۲۰. شکویی ، ح. (۱۳۷۹). *دیدگاهای نو در جغرافیای شهری*. تهران: سمت.

۲۱. شهرداری مشهد، آمارنامهٔ شهرمشهد.(۱۳۹۵).

۲۲. صالحی‌زاده، ع. (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو. فصل‌نامهٔ معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۳)، ۱٤۱–۱۱۳.

۲۳. صدیق، ع. (۱۳۳۸) .تاریخ فرهنگ‌ایران .تهران: امیرکبیر.

۲٤. صدیقی، ب. (۱۳۹۰). آیا جنبش مشروطه آغازی دارد؟ خوانشی فوکویی از جنبش مشروطه و نقش روشنفکران در آن. مجلهٔ جامعه شناسی‌ایران. ۱۲ (۳)، ۳٦–۳.

۲۵. صدیقی، غ. (۱۳۷۲) .جنبش‌های دینی‌ایران .تهران: پازنگ.

۲٦. عالم، ع؛ یحیوی، ح. (۱۳۸۸). فوکو، اندیشمندی انتقادی. *فصل‌نامهٔ سیاست، مجلهٔ دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۹(۲)، ۲۵۷-۲۳۱.

۲۷. عباس زاده غ. (۱۳۸٤). الگوسازی رشد کالبدی بافت‌های شهری در راستای توسعهٔ پایدار، نمونهٔ موردی شهرمشهد. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه فردوسی . مشهد.ایران.

۲۸. عبداللهی، ع؛ جوان، ج.(۱۳۸۹). *درآمدی برفلسفهٔ علم و پژوهش در علوم انسانی، کتاب دوم:روش و روش شناسی*. چاپ اول. تهران: چاپار.

۲۹. عضدانلو، ح. (۱۳۸۵). میشل فوکو اندیشه‌ورز نا اندیشه‌ها. *مجلهٔ اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۲۰(۷-۸)، ۱۸۷-۱۸۵.

۳۰. فوکو، م. (۱۳۸۱). *نیچه، تبارشناسی، تاریخ(حقیقت و قدرت)*. (ترجمه، ن.سرخوش و ا. جهاندیده). چاپ اول. تهران: نشر نی.

۳۱. فوکو، م. (۱۳۸۱). *نیچه، فروید، مارکس*. (ترجمه، ا. جهاندیده؛ م. نورایی؛ ب. جعفری؛ ا. خاکباز؛ع. روح بخشان). تهران: هرمس.

۳۲. فوکو، م. (۱۳۸۷). *مراقبت و تنبیه*. (ترجمه، ن. سرخوش و ا. جهاندیده). تهران: نشر نی.

۳۳. فوکو،م.(۱۳۷۸). *نظم گفتار*. (ترجمه، ب. پرهام). تهران: آگاه.

۳٤. قادری ، ح. (۱۳۸۰). *اندیشه‌های سیاسی قرن ۲۰*. چاپ دوم. تهران: وزرات امور خارجه.

۳۵. قاسمی خوزانی، م. (۱۳۸۷). *ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی – فرهنگی و مدیریت آن در کلان‌شهرمشهد*. رسالهٔدکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی تهران. تهران. ایران.

۳٦. کچوئیان، ح؛ زائری، ق. (۱۳۸۸). ده گام اصلی روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانهٔ فرهنگ (با اتکا به آرای میشل فوکو). *مجلهٔ راهبرد فرهنگ*، (۷)، ۳۰-۷.

۳۷. مافی، ع؛ سقایی، م. (۱۳۸۸). بررسی گردشگری در کلان شهرهای مذهبی: مطالعهٔ موردی کلان شهرمشهد. *همایش منطقه‌ای جغرافیا و توسعهٔ پایدار شهرها*. ٦ اردیبهشت ۱۳۸۸. دانشگاه آزاد اسلامی شیروان. صص۱۹-۱.

۳۸. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۹۱). مدخلی بر اقتصاد سیاسی نظام کلان‌شهری درایران. گزارش ۱۳۵.

۳۹. منوچهری، ع؛ رنجبر، ا. (۱۳۸۹). نسبت فلسفهٔ سیاسی و قدرت در اندیشهٔ سیاسی لئواشتراوش و میشل فوکو. *فصل‌نامهٔ سیاست*. ٤۰ (۲)، ۳۱۸-۳۰۷ .

٤۰. مهندسین مشاور فرنهاد. (۱۳۹۳) .طرح توسعه و عمران (جامع) کلان‌شهرمشهد. گزارش مطالعات پایهٔ زیارت.

٤۱. مهندسین مشاورمهرازان. (۱۳۷۰). طرح جامع شهرمشهد. ۱۳۹۵-۱۳۷۰.

٤۲. موير، ر. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. (ترجمه ، د. میرحیدر و س. ی. صفوی). چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

٤۳. میراحمدی، م.(۱۳٦۳). *دین و مذهب در عصر صفوی* .تهران: امیرکبیر.

٤٤. میلانی، ت.(۱۳۹۰). مفهوم قدرت در اندیشهٔ میشل فوکو. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد فلسفه. دانشگاه تبریز. تبریز. ایران.

٤٥. میلز، س.(۱۳۹٥). *میشل فوکو*. (ترجمه، د. نوری). تهران: نشر مرکز.

٤٦. نیک مهر، ا؛ وکیلی، ه. (۱۳۹۲). نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دورهٔ پهلوی اول و دوم. *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، ٤٥(۹۱)، ۱۳۱-۱۰۹.

٤۷. هادیانی، ز؛ مومنی، م. (۱۳۸٥). *تعامل فضا، فرهنگ و قدرت در سازمان‌یابی فضایی شهر زاهدان*. رسالهٔ دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی تهران. تهران. ایران.

٤۸. هاشمی، ا. (۱۳٥۳). *تاریخ فرهنگ‌ایران* .تهران: مدرسه عالی زبان‌های خارجی.

٤۹. وثوق رضوی مشهدی، ک.؛ مافی،ع. (۱۳۹٤). *برنامه‌ریزی توسعهٔ فضایی با رویکرد آینده پژوهی در شهرمشهد*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه فردوسی مشهد مشهد. ایران..

٥۰. وحدت زاده، و. (۱۳۸٦). تأملی بر شهرسازی دورهٔ پهلوی اول. *مجلهٔ هنرهای زیبا*، (۳۱)،۱۳-۱.

51. Bank Infrastructure Group Urban Development. (2000). *Cities in transition; World Bank Urban and Local Government Strategy*. Washington, D.C.,:The World Bank.
52. Campbell, S.D. (2001). *The changing role and identity of capital cities in the global era.* Michigan, IL: University of Michigan.
53. Cornish, V. (1971). *The great capitals; A historical geography*. Westport, Conn: Greenwood.
54. Gottmann, J. (1977). The role of capital cities. *Athens Center of Ekistics, 44*(244), 240-243.
55. Hall, P. (2000). The changing role of capital cities, *plan*, *40*(3), 8-11.

56. Harrington, J. W. (2005). *New Economic spaces: New economic geographies (Dynamics of economic space)*. Aldershot, England: Ashgate.
57. Hermant-de Callataÿ, C., & Svanfeldt, C. (2011). *Cities of tomorrow Challenges, visions, ways forward*. Retrieved from https://b2n.ir/318665.
58. Hubbard, H., Kitchin, R., & Valentine, J. (2004). *Key thinkers on space and place*. London, England: SAGE.
59. Jackson, J. N. (2007). *The urban future: A choice between Alternatives,* London, England: Routledge.
60. Mayer, H. (2016). Capital city dynamics: Linking regional innovation systems, locational policies and policy regimes. *Cities, 51*, 11-20.
61. Zimmermann, H. (2010). Do different types of capital cities make a difference for economic dynamism. *Environment and Planning C: Politics and Space*, *28*(5), 761-767.